زندگی قدس
دوشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۷
۳۰ ربیع الثانی ۱۴۴۰
۷ ژانویه ۲۰۱۹
سال سی ودوم | شماره ۸۸۷۳
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

دکتر موسی حقانی، کشف حجاب را از اهداف کودتای ۱۲۹۹ می‌داند که جریان روشنفکری در آن پیشگام بود

سبک زندگی ایرانی، مانعی بر سر راه استعمار

۱۱

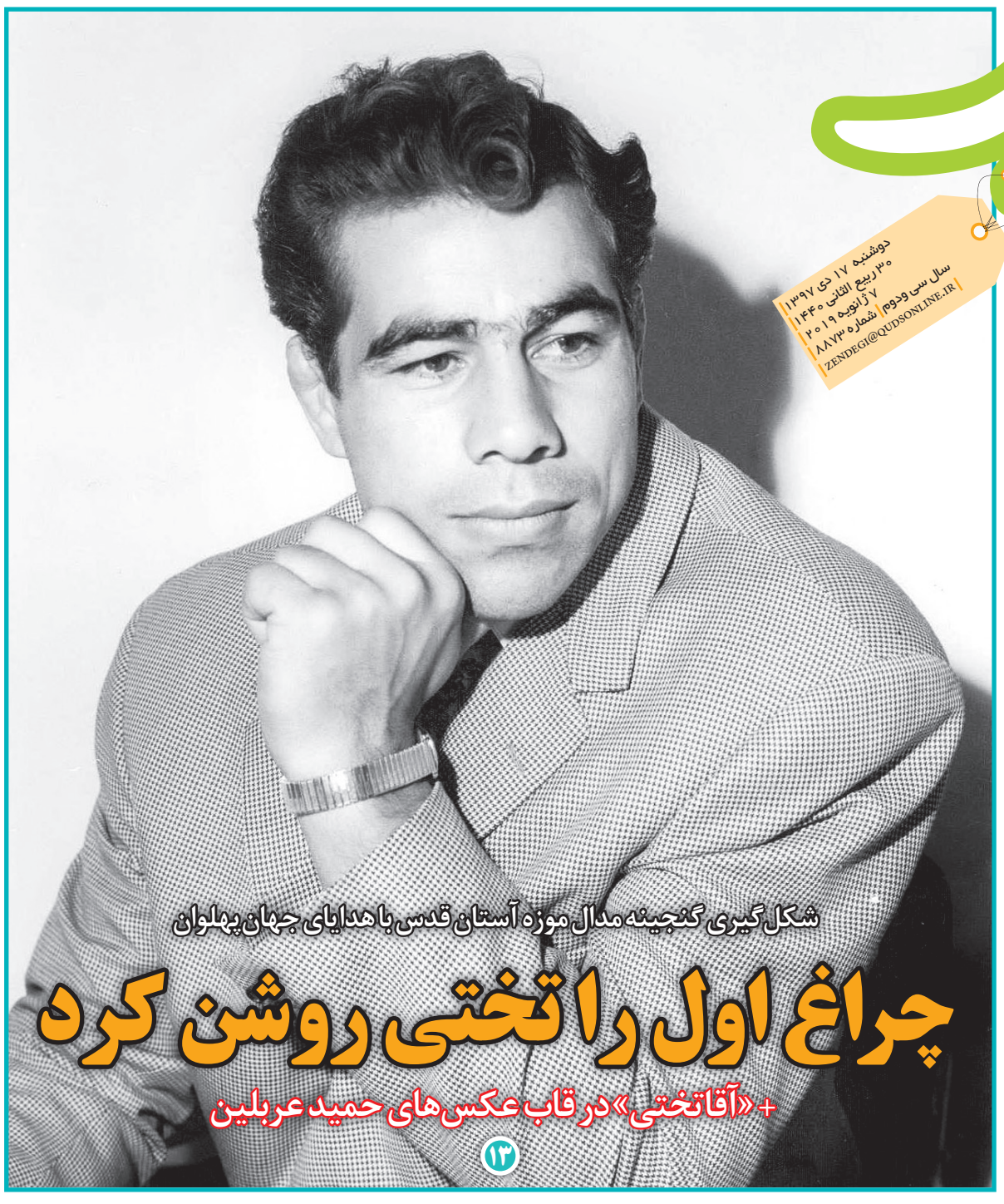

شکل‌گیری گنجینه مدال موزه آستان قدس با هدایای جهان پهلوان

چراغ اول را تختی روشن کرد

+ «آقاتختی» در قاب عکس‌های حمید عربلین

۱۳

۱۴

ادب و هنر

گزارشی از دومین دوره جشنواره «چله نمایش ما»

هدف جشنواره احیای تئاتر مردمی است

۱۰

مردم

گفت‌وگو با «سیدهادی علمدار» که آخرین نسل از خانواده‌ای است که پیشه‌شان عَلَم‌سازی سنتی بوده است

عَلَمداران عَلَم‌سازی

«نه ذوالجناح دگر تاب اســتقامت داشــت/ نه سیدالشهدا(ع) بر جدال طاقت داشت...» دورتادور عَلَم همچون کمربندی زرین این اشعار محتشم کاشانی با خطی زیبا نوشته شده؛ خطی که حاصل سال‌ها کار سیدهادی علمدار بر روی عَلَم‌های متعدد است، و البته برای او یــادگار پدر، پدربزرگ و جدش. او تمام ســال را به این کار مشــغول است؛ یک ســال کار بــرای ۱۰ روز؛ ۱۰ روز ابتدایی محرم و شوری که در آن برپاست. آنچه در ادامه می‌آید، روایت ساعتی حضور در مغازه ســیدهادی و مشاهده کار متفاوت اوست.

۱۶

ایستگاه

«فرح دیبا»
چگونه شهبانوی حکومت پهلوی شد؟

سیندرلای بدبخت!

۱۲

ورزش

تیم اول آسیا به میدان می‌آید

استارت یوزها

حالا همه منتظرند تا در سومین بازی روز سوم رقابت های جام هفدهم شاهد رونمایی از تیم مدعی کارلوس کی روش باشند. کی روش به خوبی می داند که این تورنمنت از چه حساسیتی برخوردار است. حضور با ایران در دو دوره جام جهانی فوتبال و یک دوره بازی های جام ملت های آسیا و عدم دستیابی به موفقیت بزرگ و خیره کننده فشار عجیبی را به او وارد ساخته است. از این رو پیرمرد پرتغالی بهتر از هر کسی می داند که دوست و دشمنش در این مقطع منتظر نخستین نتیجه وی در جام ملت های آسیا هستند تا درباره او قضاوت کنند. هر چند فوتبال ایران در ۸ سال گذشته با او شاهد پیشرفت و ترقی بوده است اما عدم دستیابی به موفقیتی خیره کننده سبب شده بخشی از منتقدان سرمربی پرتغالی با استفاده از این عنصر به وی کنایه بزنند که وی هیچ موفقیتی در کارنامه اش به ثبت نرسانده است. او در حال حاضر بهترین بازیکنان موجود در فوتبال ایران را در اختیار دارد و می خواهد اتفاقی که چهار سال پیش در سرزمین کانگوروها رخ داد و بر اساس یک سوت اشتباه ناچار به خداحافظی با جام شانزدهم شد را جبران کند و کنترل همه چیز را در دست داشته باشد. جدال با یمن شاید از نگاه بسیاری از کارشناسان یک دیدار عادی و راحت به نظر بیاید اما سخت ترین بازیها برای یک تیم مدعی همان بازی هایی است که هیچ کسی آنها را سخت نمی داند. بزرگترین تیم های جهان نیز برابر تیم های...

مجازآباد

آینده روشن

حمیــد فتاحی، معــاون وزیر ارتباطات با انتشــار پستی در حســاب توییتری خود اعلام کرد، تا دو هفته دیگر خدمات دولــت الکترونیک بر بســتر پیام‌رســان‌های داخلــی ارائه خواهد شــد و با اشاره به رشد ماهانه ۱۰ درصدی ترافیک پیام‌رسان گپ، این موضوع را نشان از افزایش کیفیت محصولات بومی دانست.

فتاحی در توییتر نوشــت: رشــد ماهانه ۱۰ درصــدی ترافیک پیام‌رسان گپ، نشــان از افزایش کیفیت محصولات بومی دارد. جهت گسترش خدمات پیام‌رسان‌ها به امور شهروندی، خدمات دولت الکترونیکی طی دو هفته آینده از طریق پیام‌رسان‌ها قابل دسترس خواهد بود. #آینده_روشن

قهرمان کوچک

آریــن غلامی شــطرنج‌باز ۱۷ ســاله ایرانــی در مســابقات شطرنج برق‌آســا در سوئد در شرایطی که قهرمان احتمالی مسابقات بود، از بازی در مقابل نماینــده رژیم صهیونیســتی انصــراف داد و در نتیجــه به نایب قهرمانی دســت یافت. کاربران فضای مجازی با هشتگی به نام این قهرمان، ضمن انتشار تصاویری از او، عملکرد جوانمردانه غلامی را مورد تقدیر قرار دادند. یکی از کاربران درباره او نوشت: «شــرافت را به کسی پیشــکش نمی‌کنند. شــرافتمندان برای داشتن شرافت هزینه می‌کنند. هزینه آرین برای به دست آوردن شــرافت، از دست دادن قهرمانی بود. درود بر شرفت که ظالم را به رسمیت نشناختی». کاربر دیگری نوشت: «همین که با هزینه شخصی و ســختی زیاد به فینال برسی اما حریف اسرائیلیت رو در حدی ندونی که باهاش سر یک میز بشینی و بازی کنی یعنی تو ابرقهرمانی».

قهرمانان دریا

کاربران فضای مجازی همزمان با فرا رسیدن ســالروز حادثه تلخ غرق شدن کشتی سانچی با هشتگ #سانچی و یادآوری این حادثه تلــخ، یاد و خاطره قربانیان آن را گرامی داشتند. نمونه هایی از پیام‌های منتشر شــده توســط کاربران را می‌خوانید: «نه نوحی هست که از موج و توفان بر کند ما را، نه موســایی که بشــکافد عصایش آب دریا را، نه ابراهیم که ناگه گلســتان ســازد از آتش... سانچی همان پلاسکوست فقط کمی دورتر و تنها تر. یک سال پیش در چنین روزی دریایی‌ها آسمانی شدند. من به یاد قهرمانان سانچی تمام قد می‌ایستم».

همه چیز درباره مقاله ۱۷ دی‌ماه ۵۷ روزنامه اطلاعات

آغاز شمارش معکوس سقوط

حامد کمالی: رژیم پهلــوی در طول دوران حکومتش کارهای احمقانه کم انجام نداد. از کشــتار ۱۷ شهریور تهــران بگیرید تا ۱۰ دی مشــهد و ماجرای پیشــوای ورامیــن. انگار که محمدرضای پهلــوی قصد کرده بود، خودش تیشــه به ریشــه دولتش و تخت پادشاهی‌اش بزند که زد. اما مورخان اســم یکی از این اقدامات را تیر خلاص گذاشته‌اند. آن هم مقاله‌ای بود که روز ۱۷ دی‌ماه در روزنامه اطلاعات به چاپ رســید. نوشته‌ای با عنوان استعمار سرخ و ســیاه که از بای بسم‌الله تا تای تمتش توهین بود به امام خمینی(ره) وانقلابی که مردم شروع کرده بودند. یک شبه کل ایران شد راهپیمایی و تظاهرات تا خود بهمن۱۳۵۷. شــاه فکرش را هم نمی‌کرد که این حرکت احمقانه‌اش برایش حکم تیرخلاص داشته باشد.

شنبه هفدهم دی ماه ۲۵۳۶ ـ شماره ۱۵۵۰۶
۷
نظرها و اندیشه‌ها
ایران و استعمار سرخ و سیاه
احمد رشیدی مطلق

نامه مشکوک مهر و موم شده

ماجرا از ۱۴ دی شــروع شــده بود. هویدا که آن روزها وزیر دربار بود اطلاعات مبهم و نامشــخصی را در مورد یک مقاله که باید در روزنامه اطلاعات و کیهان به چاپ برســد، در اختیار داریوش همایون که وزیر اطلاعات و جهانگردی بود، گذاشــت. عصر روز ۱۶ دی ۱۳۵۷ دو نامه لاک و مهر شــده از وزارت اطلاعات و جهانگردی به دو روزنامه اطلاعات و کیهان می‌رســد تا در شماره بعدی‌شان به مناسبت سالگرد کشف حجاب چاپ شود. دستور از بالا رسیده بود و باید این اتفاق می‌افتاد. قائم مقام روزنامــه اطلاعات که نامه را باز کــرد و مقاله را خواند، با داریوش همایون (وزیر وقت اطلاعات) تماس گرفــت و در مورد تبعات انتشــار مقالــه‌ای تا این حد تحریک‌کننده هشــدار داد. همه تلاشش را هم کرد که نگذارد این اتفاق بیفتد، اما فایده‌ای نداشــت. همایون پشــت تلفن فریاد می‌کشــید و او را تهدید می‌کرد که اگر در شــماره بعدی روزنامه اطلاعات این مقاله چاپ نشــود، حسابش با کرام الکاتبین اســت. این مقاله در صفحه هفتم چاپ عصر روزنامه اطلاعات (صفحه نظرها و اندیشــه‌ها) چاپ می‌شود. این مقاله اما با وجود همه تهدیدها و فشــارها در کیهان چاپ نمی‌شــود. آن روز در غیاب ســردبیر و معاون ارشدش هوشنگ اسدی از اعضای تحریریه نامه مهر و موم شده را تحویل می‌گیرد. متن مقاله این‌قدر تند و عجیب اســت که اسدی ایران را زیــر و رو می‌کنــد و پس از چندیــن تماس تلفنی، مصباح‌زاده، ســردبیر وقت کیهــان را پیدا می‌کند و از پشــت تلفن متن مقاله را برای او می‌خواند. هر دو نفر تصمیم می‌گیرند از انتشار مقاله خودداری کنند، حتی اگر لازم است اســتعفا کنند، برای همین مقاله در ۱۷ دی در روزنامه کیهان چاپ نمی‌شود.

انقلابی‌ها کمونیست هستند

مقاله از اول تا آخرش پر از توهین‌ها و تهمت‌های مختلف به امام خمینی(ره) بود. اینکه امام اصلاً ایرانی نیســت و اصل و نسبش به هند می‌رسد و عامل دست حزب توده و شــوروی اســت و.... بعد هم با توهینی بی‌سابقه، قیام ۱۵ خرداد را حاصل اســتعمار سرخ یعنی کمونیست و استعمار سیاه یعنی ارتجاع می‌خواند و از سویی رهبران سیاســی مذهبی و در رأس همه آن‌ها امام خمینی(ره) که با انقلاب سفید شاه مخالفت کردند را عامل خارجی معرفی می‌کند.

نویسنده‌ای نامعلوم

بیش از ۴۱سال از تاریخی که آن مقاله کذایی در روزنامه اطلاعات چاپ شده می‌گذرد و هنوز کسی نوشتن آن را برعهده نمی‌گیرد و مدام مسئله را گردن هم می‌اندازند. عده‌ای کماکان خیلی سفت و محکم معتقدند که احمد رشــیدی مطلق همان داریوش همایون است. موضوعی که خود او سال‌های سال آن را رد کرد و نوشتن مقاله را گردن هویدا انداخت.

«ارتشــبد قره‌باغی» از رجل سیاسی پهلوی است که در کتاب خاطراتش با نام «اعترافات ژنرال» می‌نویسد: نوشتن مقاله مزبور گویا توســط داریوش همایون صورت گرفته است. پرویز راجی نیزدر کتابش با عنوان «خدمتگزار تخت طاووس»، دلیل تنفر و ناراحتی شــاه از داریوش همایون را به ماجرای نامه معروف احمد رشــیدی مطلق مربوط می‌داند. اســکندر دلدم، نویسنده و خبرنگاری که در آن زمان، خود از نزدیک شاهد ماجرای ارسال و چاپ و انتشار ایــن مقاله در روزنامه اطلاعات بوده بعدها در خاطراتش می‌گوید که: «این مقاله احمقانه که سرنوشت مملکت را عوض کرد، از توصیه‌های یکی از همین نخبگان فرهنگی! و به قلم یکی از مارکسیست‌های مرتد نوشته شده بود!» اما خیلی از همین رجال روی نام یک نویسنده اتفاق نظر دارند: فرهاد نیکوخواه. رئیس روابط عمومی بنیاد پهلوی و برنامه‌ریز جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در تخت جمشید.

فقط ۴۰۰ روز

با این اقدام انتحاری، شمارش معکوس برای سرنگونی رژیم پهلوی آغاز شــد. هیچ‌کس نمی‌توانســت حتی تصورش را بکند که از ۱۷ دی ۱۳۵۶ فقط ۴۰۰ روز تا انقراض رژیم پادشاهی در ایران زمان باقی مانده باشد. روز ۱۸ دی طلاب حوزه‌های علمیه قم درس را تعطیل کردنــد و تظاهرات برپا کردنــد. عصر آن روز هم مردم روزنامه اطلاعات را در روزنامه‌فروشی‌ها پاره‌پاره کردند و علیه مدیر و نویسندگان آن شعار سر دادند. فردای آن روز در ۱۹ دی طــلاب و مردم قم بار دیگر به خیابان‌ها ریختند، بازار تعطیل شد و بین مردم و نیروی انتظامی زد و خورد روی داد و تعداد زیادی از مردم شهید شدند. در روز ۲۰ دی عــلاوه بر قم، مردم شــهرهای تبریز و اصفهان و مشهد به اعتراض برخاستند و دامنه تظاهرات و برخــورد مردم و ارتش به خونریزی کشــیده شــد. کم‌کم شــعله‌های آتش به سرتاسر کشور کشیده شد. روز ۲۹ بهمن به‌مناسبت چهلم شهدای قم، بازرگانان و پیشه‌وران بازار تهران در اعتراض به اقدام دولت مغازه‌ها را تعطیل کردند. مردم تبریز نیز در همین روز تظاهرات وسیعی ترتیب دادند و آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله قاضــی در اعلامیه‌هایی مردم را بــه تعطیل عمومی و برگزاری مجلس ختم دعوت کردند. به‌دنبال تظاهرات و شورش مردم تبریز، تظاهرات دیگری به‌مناسبت چهلم شــهدای تبریز در شــهرهای یزد، قم، مشهد، خمین، اصفهان، نجف‌آباد، میانه، رضائیه (ارومیه) و چند شــهر دیگر برپا شــد که آن‌ها نیز منجر به برخوردهایی بین مردم و نیروی انتظامی و زخمی و کشــته شدن عده‌ای گشت. در بهار ۱۳۵۷ در چند شهر بزرگ ایران از قبیل تهران، مشــهد، اصفهان، تبریز، اهواز، خرمشهر، یزد و زنجــان تظاهرات ضدرژیم به شــورش انجامید و گروه زیادی کشــته و زخمی به‌جای گذاشت. ناآرامی‌ها در تابستان ۱۳۵۷ اوج گرفت. شاه همه مسائل را به گردن اطرافیان می‌انداخت، وی در ۲۸ تیرماه سپهبد نصیری رئیــس ســاواک را از کار برکنار کرد. امــا تظاهرات‌ها همچنان ادامه داشت.

هشتگ

سلامت فدای پول

بتازگی آیین‌نامه و دستورعمل اجرایی نحوه مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی علوم پزشــکی شورای گســترش دانشگاه‌های علوم پزشــکی تصویب و توســط وزارت بهداشــت به معاونت آموزشی این وزارتخانه ابلاغ شــد. در یکی از بندهای دستورعمل اجرایی آیین‌نامه تأســیس مؤسسات آموزش عالی علوم پزشــکی خصوصی آمده است: «هیئت مؤســس متقاضی تأسیس مؤسسه آموزش عالی علوم پزشکی خصوصی موظف اســت جهت اخذ موافقت اصولی، مدارک شناسایی هیئت مؤســس، طرح کســب‌وکار و اساســنامه مؤســسه را همراه با درخواســت کتبی، جهت بررســی و تأیید نهایی به دبیرخانه شورای گسترش تسلیم کند». پس از انتشار این ابلاغیه کاربران فضای مجازی هشــتگ #ســلامت_فدای_پول را در توییتر ترند کردنــد. برخی از کاربران فضای مجازی هم این هشــتگ را در قســمت کامنت آخرین پســت اینســتاگرام صفحه رئیس جمهور قرار دادند تــا از این طریق بتوانند صدای خود را به مسئولان قوه مجریه برسانند. یکی از کاربران در اینباره نوشت: «علوم پزشکی ایران در این ۴۰ سال خیلی پیشرفت کرده. لطفاً با خصوصی سازی جلوی پیشرفت علم پزشکی رو نگیرید». کاربر دیگری نوشت: «بلایی که با گسترش دانشگاه‌های غیرانتفاعی بر سر رشته‌های مهندسی اومد الآن در کمین رشته‌های علوم پزشکیه». برخی دیگر از کاربران هم دست گذاشتند روی شرافت و مسئولیت‌پذیری پزشکانی مثل دکتر قریب و خاطره‌ای یک خطی از او به اشتراک گذاشتند: «دکتر محمد قریب: دانشجویی که ۱۸ بگیره به اندازه دو نمره با جون مردم بازی کرده».

بعضی‌ها هم از همین الآن نگران جان آدم‌هایی هســتند که قرار اســت ســال‌های بعد بروند زیر دست پزشــکانی که پول داده‌اند و دکتر شده‌اند: «همین حالا از پول دوســتی پزشــکان نالانید. اگر روند پولکی شدن به مؤسسات آموزش پزشکی گسترش یابد با حجم بزرگی از پزشکان بی سواد اما پولداری مواجه خواهیم شد که می‌آیند تا جان فرزندان و نوادگان شما را در دست گیرند. امروز باید فکری کنیم.فردا دیر است!»

«+ دکتر چشــمم درد می‌کنه، - آب نمک غرغره کن، شب‌ها هم چشمت رو #بمال خوب میشــه (پزشــک فارغ التحصیل از مؤسسه علوم پزشکی خصوصی دورقوز آباد)».

در این میان شاید دردناک‌ترین توییت این باشد که: «عاقبت این طرح مثل طرح افزایش سهمیه‌ها فقط یه چیزه و اونم افزایش خروج از کشور افرادی که بیشتر به درد سیستم و حوزه سلامت ایران می‌خورند. همینه که امثال دکتر ســمیعی‌های ما، تو کانــادا و آلمان و انگلیس و اتریش و امارات مشــغول به گذران زندگی هســتند نه تو کشور خودشون.» و یا «خســته و کوفته روزهای پاییز و زمستون و بهار و تابستون و بدون اینکه بفهمی اینا بهترین روزای زندگیته و داره مثل باد می‌گذره پشت سر هم می‌شــینی درس می‌خونی، استرس می‌کشی به امید اینکه یه روز بالاخره نتیجه شــو ببینی. حالا با این طرح واقعاً دیگه با چه شوقی میشه خوند و ادامه داد»؟

گفت‌وگو با «سیدهادی علمدار» که آخرین نسل از خانواده‌ای است که پیشه‌شان عَلَم‌سازی سنتی بوده است

عَلَمداران عَلَم‌سازی

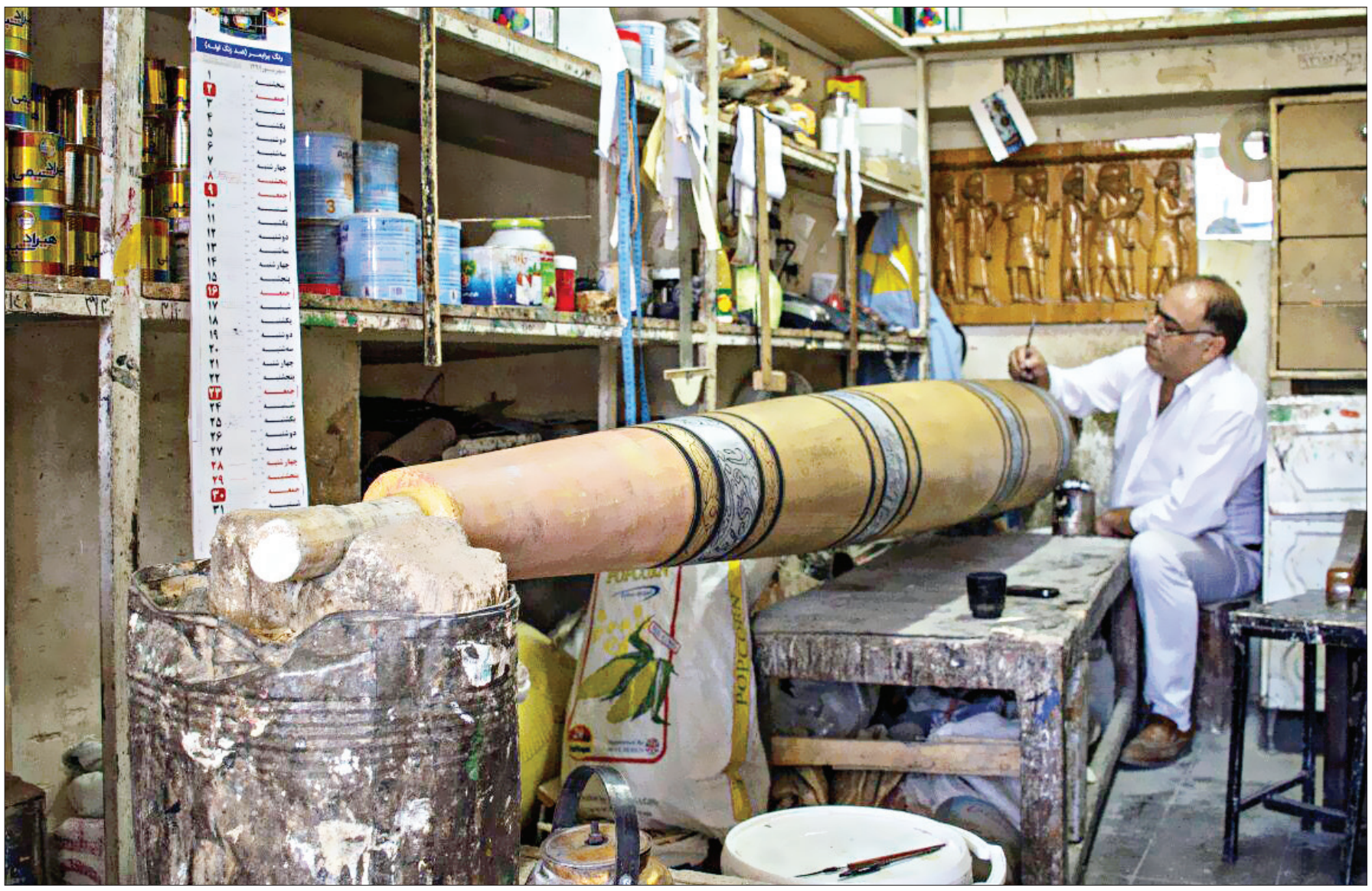

عکس: مهیار متولی‌زاده کاخکی

| مردم/مهیار متولی‌زاده | «نه ذوالجناح دگر تاب استقامت داشت/ نه سیدالشهدا(ع) بر جدال طاقت داشت...» دورتادور عَلَم همچون کمربندی زرین این اشعار محتشم کاشانی با خطی زیبا نوشته شده؛ خطی که حاصل سال‌ها کار سیدهادی علمدار بر روی عَلَم‌های متعدد است، و البته برای او یادگار پدر، پدربزرگ و جدش. او تمام سال را به این کار مشـــغول است؛ یک سال کار برای ۱۰ روز؛ ۱۰ روز ابتدایی محرم و شوری که در آن برپاســـت. آنچه در ادامه می‌آید، روایت ســـاعتی حضور در مغازه سیدهادی و مشاهده کار متفاوت اوست.

نمی‌دانم چرا، امـــا هنگامی که به داخل مغازه پا گذاشتم، احساس کردم کربلایی دیگر در مقابل چشمانم در حال گذر اســـت؛ تیغه‌ها، چوب‌ها، پرچم‌ها و نوشته‌هایی که هر کدام نام حسین(ع) را فریاد می‌زدند، عَلَم‌هایی با طرح‌ها و رنگ‌های متفاوت که هر کدام در کنار یکدیگر ایستاده بودند و برای واقعه‌ای عظیم آماده می‌شدند، همه و همه هیاهوی اصیل واقعه کربلا را زنده می‌ساختند. اما در این میان، عکس مردی به چشم می‌خورد که با لبی خندان و شالی ســـبز رنگ، نام علمداران حسین (ع) را پس از قرن‌ها زنده نگاه داشته بود. در میانه مغازه پســـری که جانشینی اصیل برای پدر بوده، به عکس اشاره می‌کند و می‌گوید: «یک سال پیش از میان ما رفت.»

سیدهادی‌ام، پسر سیدمحمد علم‌ساز

سیدهادی حالا همه‌کاره مغازه عَلَم‌سازی است و البته میراث‌دار خاندانی که نسل‌درنسل عَلَم‌ساز بوده‌اند. می‌گوید: «نام من ســـید هادی، نام پدرم سید محمد، نام پدر بزرگم سید حسن و نام جدم سیدعلی علمدار است. در حدود ۱۵۰ سال است که خانواده ما مشغول ساخت عَلَم هستند.

این حرفه و هنر، نسل به نسل و به‌واسطه وصیتی که از پدرها به پسرها رسیده، منتقل شده است. شغل اصلی این خاندان هم تا قبل از ساخت عَلَم و در پیش از ســـال ۱۲۵۰، چیتگری بوده. در آن زمان فردی به نام «ملامحمد» در نیشابور به حرفه عَلَم‌سازی مشـــغول بوده. یک روز که سیدعلی، جد ما، از مقابل کارگاه ملامحمد رد می‌شـــده، با دیدن این حرفه بسیار مشتاق می‌شود تا این کار را یاد بگیرد. البته ملامحمد نه‌تنها چیزی به او یاد نمی‌دهد، بلکه حتی اجازه نمی‌دهد که سیدعلی وارد مغازه شـــود. می‌گویند بعد از مدتی و بر اثر یک اتفاق، ملامحمد نابینا می‌شـــود و برای پیدا کـــردن رزق و روزی خودش شـــروع می‌کند به قرآن خواندن در کنار مسجد نیشابور. سیدعلی هم که ملامحمد را مشغول به این کار می‌بیند، بلافاصلـــه او را بـــه خانه می‌بـــرد و از او مراقبت می‌کند. ملامحمد هم در ازای این محبت، حرفه عَلَم‌ســـازی را به سیدعلی یاد می‌دهد. سیدعلی از سال ۱۲۵۰ شـــروع به کار عَلَم‌سازی می‌کند و پایه‌گذار این هنر در خاندان خودش است. آن زمان شناســـنامه‌ها را هم بر اساس حرفه و شغل به افراد می‌دادند و به همین خاطر نام خاندان ما «علمدار» شد.»

پدرم تا روز آخر علم ساخت

پدر سیدهادی یک سال پیش از دنیا رفته است، درست بعد از ۸۷ ســـال عَلَم‌سازی پدرم از سال ۱۳۲۰، در حالـــی کـــه به مدرســـه می‌رفته، در کنار پدرش مشـــغول به کار می‌شـــود و در سن ۲۰ ســـالگی هم به اوج پختگی می‌رسد. جالب اینجاســـت که کار کردنش هیـــچ وقت متوقف نشـــد، حتی تا ســـن ۸۷ ســـالگی و یک ساعت قبل از فوتش. سید هادی این‌ها را که می‌گوید، چشمانش به خیسی می‌نشینند، صدایش قطع می‌شود... انگار انبوهی از درد و بغض راه گلویش را می‌بندند: دوشـــنبه شب بود که پدر تمام کرد. الان هم دوشـــنبه شـــب‌ها حال همه ما خراب می‌شـــود. نوه‌ها دائم می‌پرسند که الان بابابزرگ کجاست؟ چه کار می‌کند؟ حالش خوب هست یا نه؟ مادرم به سمت اتاقش می‌رود و در را می‌بندد. همانطور که گفتم پدرم آنچنان به کارش علاقه داشت که تا نزدیکی‌های فوتش هم عاشقانه پیش رفت. آرزوی پدرم این بود که این حرفه ادامه پیدا کند و به همین خاطر همانند پدر و پدربزرگش، به ما هم وصیت کرد که این کار را ادامه بدهیم. من هم از هفت سالگی کنار پدر کار کرده و تا به الان ۳۵ ســـال است که مشغول این کار هستم. البته هـــم من و هم برادرم ســـاختن علم را بلد بودیم، اما بـــرادرم به خاطر درس و تحصیل این کار را ادامه نداد و من تصمیم گرفتم تنها این کار را پیش ببرم. با این کار و با مدرکی که داشـــتم، شـــاید می‌تونستم به خیلی از فرصت‌های شغلی بهتر دست پیدا کنم که هم راحتترباشند و هم پر درآمدتر، اما الان اصلا پشیمان نیستم. چون اگر ما ادامه نمی‌دادیم، این هنر هم از بین می‌رفت.»

خیال پدرم را راحت کردم

نگاهش به عَلَمی می‌افتد که در زیر دســـتانش طرح و نقش‌های متفاوتی را به خود دیده. عَلَمی با انبوهی از نوشته‌ها که در سرتاسر آن خودنمایی می‌کند؛ ترکیبی از هنرهای مختلف که هر کدام از منبعی متفاوت سرچشمه گرفته‌اند. او قسمتی از عَلَـــم را که با رنگی نقره‌ای رنگ‌آمیزی شـــده است، با منتخب اشعار «محتشم کاشانی» آراسته و قســـمتی دیگر که طلایی رنگ است، ترکیبی است از سخنان پیامبر گرامی اسلام(ص) درباره امام حسین(ع). می‌گوید: «چند وقت پیش، یک روز داخل مغازه به همراه پدرم مشـــغول به کار بودم که ناگهان یکی از دوســـتان پدر وارد مغازه شـــد. من رفتم دم در تا راحت حرف‌هایشـــان را بزنند، ولی آن‌ها عادت داشـــتن بلند بلند با هم صحبت کنند. دوست پدرم از ایشان پرسید: «چه کار می‌کنید؟» پدرم گفـــت: «دارم با هادی علم درســـت می‌کنم.» دوست پدرم با حالت متعجب گفت: «هادی؟ مگه هادی می‌تونه عَلَم ســـاختن یاد بگیـــره؟». همان روز پدرم رفته بود خانه و به مادرم گفته بود: «می‌خواهم آن‌قدر علم بسازم که وقتی من مُردم، هادی اگر خواســـت علم درست کند، تا چند ســـال راحت باشد. چون هادی عَلَم ساختن را یاد ندارد.» این صحبتی بود که مادرم همین چند ماه پیش بعد از فوت پدرم با من در میان گذاشت. مادرم می‌گفت: «پدرت دائما به من می‌گفت که هادی نمی‌تواند عَلَم درســـت کند. نگران بود که این هنر از بین خواهد رفت.» چند ســـالی از آن قضایا گذشته بود که یک روز پدرم ناگهان مریض شد، به نحوی که ما فکر می‌کردیم شاید دیگر نتواند دوام بیاورد. یادم هست همان زمان هم پدرم کلی ســـفارش گرفته بود و کلی کار مانده بود روی دســـتش. آن زمان من سیاه قلم را خیلی کم بلد بودم و شـــدیداً می‌ترسیدم بروم سمتش، اما وقتی شرایط پدرم را دیدم، دلم را به دریا زدم و شروع کردم به ساخت کامل عَلَم. این مســـئله نقطه عطف بزرگی در کار و زندگی من شد. چرا که باعث شد من عَلَم ساختن را به تنهایی یاد بگیرم و کلی توی کارم پیشرفت کنم. می‌شود گفت تا الان هر نوع عَلَمی که بوده را من ســـاخته‌ام و کارم از نظر پختگی و مهارت، زمین تا آسمان با کارهای اولم فرق می‌کند. این اواخر که پدرم دیده بود من می‌توانم همه کارها را انجام بدهم، خیلی خوشحال شده بود، تا حدی که به دوستش هم گفته بود: «دیگه خیالم راحت شد.»

هر عَلَم یک دنیای جدید است

در مورد عشـــق و علاقه ســـید هادی به کارش می‌پرســـم. می‌گوید: «با اینکه سالهاســـت توی ایـــن مغازه‌ام و عَلَم می‌ســـازم، ولـــی هر بار که شروع می‌کنم به ســـاخت یک عَلَم جدید، انگار تازه عَلَم‌ســـازی را یاد گرفته‌ام. خودم می‌دانم هر عَلَمی در انتهای کار مثل بقیه عَلَم‌ها می‌شـــود، ولی این کار جذابیت خیلی خاصی برای من دارد. در حین کار کردن مرتب به این فکر می‌کنم که اگر الان روی این عَلَم کار کنم، آیا به خوبی بقیه می‌شـــود یا نه؟ می‌دانم که خیلی بهتر می‌شود، ولی همیشـــه در حالت شک هستم و این شک، جذابیت زیبایی به کار و خلاقیت من می‌دهد.»

بعد از من این هنر هم از بین می‌رود

سیدهادی حالا نگران هنر آبا و اجدادی‌اش است؛ هنری که اجداد او نســـل به نسل آن را آموخته و به فرزندانشان آموزش داده‌اند، اما حالا دیگر کسی نیست که این هنر را به دوش بکشد: «ما دو برادر و چهار خواهریم. همگی آن‌ها هم از رنگ‌آمیزی عَلَم می‌توانند به من کمک کنند، حتی خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌هایم، اما الان با اطمینان می‌گویم که بعد از من این هنر از بیـــن خواهد رفت. چون کارش سخت و طاقت‌فرساست و کسی نیست که بیاید و این کار را یاد بگیرد. این هنر، هنری اســـت که شـــخص باید متکی به خودش باشد و به همین خاطر مشـــکلات زیادی را به وجـــود می‌آورد، از مشـــکلات تنفســـی و ریوی گرفته تا مشکلات بینایی. گاهی باید در تاریکی کار کرد و گاهی در میان انبوه ذراتی که شـــدیدا برای تنفس مضرند. پـــدرم خیلی کار کرد، اما بـــدون اینکه به صورت مستقیم به ما بگوید، به ما یاد داد که برای این کار نباید منتظر کســـی بود. یادم است بچه که بودم، پدرم تا ساعت ۱۱ یا ۱۲ شب کار می‌کرد.»

آموختن این هنر، کار یک عمر است

آموختن عَلَم‌ســـازی کار یک عمر است؛ یک عمر تمام و کمال. اما گاهی پیش سیدهادی می‌آیند تا کارش را یاد بگیرند، آمدن‌هایی که به نیامدن هم نمی‌ارزد. به قول خودش به من گفتند که طی یک یا دو جلسه به چند نفر این هنر را یاد بدهم، اما این هنر، هنری نیست که با یک یا دو جلسه آموخته شود. یاد گرفتن هر کدام از مراحل این کار حداقل یک سال وقت می‌برد. عَلَم‌سازی چند مرحله دار: مرحلـــه نجاری، مرحله پـــس از نجاری و مرحله طراحی. شاید سخت‌ترین مرحله هم مرحله آخر باشد. کار ساخت بدنه عَلَم یا همان نجاری، یک کار دستی است نه ماشینی. به همین دلیل نمی‌شود تمام عَلَم‌ها را به یک اندازه درآورد. اینجاســـت که باید برای هر علم نقشـــه و طرح تازه‌ای کشید که خب شدیدا کار را سخت می‌کند. طراحی خودش شاید مرحله نسبتا آســـانی باشد، ولی باز مرحله پیاده‌ســـازی طرح، ســـه برابر از طراحی سخت‌تر است. یکی دیگر از مراحل زمان‌بر برای یادگیری این حرفه، عادت کـــردن به تغییر فضا و ذهنیت است. گاهی اوقات شخص مجبور می‌شود بلافاصله از نجاری که یک محیط نســـبتاً خشن هست، به ســـمت طراحی که محیطی بسیار ظریف است، برود. ذهن به این مسئله عادت نمی‌کند، مگر بعد از چندین و چند سال کار کردن. من خودم هنوز که هنوز نتوانسته‌ام این مسئله را در خودم به صورت کامل حل کنم.

گرو نگه داشتن علم

سیدهادی از کار و بارش کم برکت ندیده. بالاخره او از خاندانی اســـت که عشـــق به حسین(ع) و ابالفضل‌العبـــاس(ع) را هم در کنار کارشـــان به ارث می‌برنـــد. او درباره یکی از کرامت‌هایی که از کار عَلَم‌سازی دیده می‌گوید: در حدود ۱۷ سال پیش، متوجه شدیم که عمه‌ام توموری در مغزش دارد. بلافاصله ایشـــان رو پیش یک دکتر حاذق و ماهر در مشـــهد بردند که تازه از آمریکا آمده بود. دکتر تشخیص داده بود که عمه‌ام نباید عمل شود، چرا که شانس زنده ماندنش صفر درصد بود. بعد از این حرف، بـــه پدرم زنگ زدند و قضیه را گفتند. بالاخره عمه‌زاده‌هایم اصرار کرده بودند که با مسئولیت خودشان ایشان را عمل کنند. موقع پایان عمل، دکتر از اتاق عمل بیرون آمده و گفته بود: «نمی‌دانم چه نیرویی بود که این زن را زنده نگه داشت. باید بگویم که عمل کاملاً موفقیت‌آمیز بود. بروید خدا را صد هزار مرتبه شکر کنید. من و آن‌ها در ابتدا نفهمیده بودیم چه اتفاقی افتاده است، ولی بعد داستانش را از زبان پدرم شنیدیم. قضیه این بود که همـــان موقعی که عمل انجام می‌شد، من و پدرم مشغول ساخت عَلَمی بودیم. پدرم ناگهان بلند شـــده و توی دلش گفته بود: یا ابوالفضل! تا زمانی که خواهرم را شـــفا ندهی، این علم را درست تمام نمی‌کنم. این علم را از تو به عاریت می‌گیرم. یادم هست ایشان آمد سمت من و به من گفت: دیگه نمی‌خواد کار کنی. بریم خونه. من هم چیزی نپرسیدم و با خودم گفتم که شاید پدرم کار دیگری دارد. بعد هم که زنگ زدند و گفتند عمل موفقیت‌آمیز بوده، دوباره شروع به کار کردیم.

کل بازارمان یکی دو هفته در سال است

سید هادی دوباره سیاه قلم زدن را آغاز می‌کند؛ کاری که هر چند وســـیله ارتزاق آن‌ها بوده، اما آن‌ها هیچ‌گاه آن را بـــرای پولش انجام نداده‌اند. چنان که خود ســـید هـــادی می‌گوید: نه من و نه پـــدرم هیچ وقت ایـــن کار را به خاطر پولش انجام نداده‌ایم چون ســـودی بـــرای ما ندارد. آن زمان‌ها اگـــر عَلَمی به پدرم ســـفارش می‌دادند با اینکه پولش را هم نـــداده بودند، پدرم وظیفه خودش می‌دانســـت که عَلَم را به هر نحوی که هست، بسازد. من هم به بحث مالی کار اصلا فکر نمی‌کنم. چون اگر بخواهیم با این بودجه و سود ادامه بدهیم، کلا نمی‌توانیم زیاد پیش برویم. کل بازار فـــروش عَلَم‌ها هم همان یکی دو هفته اول محرم است، ولی همین یک یا دو هفته، به اندازه یک ســـال برای ما زحمت می‌برد و تمام سال ما را پر می‌کند. بماند که مواد اولیه ساخت علم هر کدامش توی یک شـــهر است و پیدا کردنش هم هزینه‌های بالایی می‌برد.

پیشنهاد سفر

معرفی یک فضای گردشگری متفاوت
که این سال‌ها گردشگران زیادی را به‌خود خوانده است

مریخی در سیستان و بلوچستان

می‌دانستید می‌توانید بر روی خاک ایران، چهره مریخ را ببینید؟ برای این کار کافیست راهتان را به سوی کوه‌های مریخی چابهار کج کنید؛ مکانی عجیب و شگفت‌انگیز که شـــما را به سفری فضایی دعوت می‌کند. این کوه‌ها که به کوه‌های مینیاتوری هم شهرت دارند، از دیدنی‌های چابهار به شمار می‌روند و گردشگران زیادی را به سوی خود می‌کشانند.

چرا کوه‌های مریخی چابهار؟

کوه‌های مریخی چابهار جلوه‌ای شگفت‌انگیز از طبیعت ایران هستند که تصویری از مریخ را در ذهن تداعی می‌کنند. همچنین جاده‌ای که شما را به کوه‌های مریخی می‌رساند یکی از زیباترین جاده‌های ایران به شمار می‌رود. با رفتن به ســـوی کوه‌های مریخی، به منطقه‌ای قدم می‌گذارید که آسمان شبش شهرت زیادی دارد و جلوه‌ای تماشایی را پیش رویتان می‌گذارد. وجود کمپ گردشگری در حوالی این کوه‌ها، باعث می‌شود تا از بابت اقامت و دسترسی به امکانات نیز خیالتان راحت باشد.

چابهار به خودی خود یکی از شهرهای زیبای ایران به شمار می‌رود؛ مکانی آرام در همسایگی دریای عمان که حال و هوایی خاص دارد. از این شهر راه شهرک مسکونی گواتر را پیش می‌گیریم و به جاده می‌زنیم. در سمت راســـت آبی دریا و تلالو نور در آن، نگاهمان را به سوی خود می‌کشاند. در این جاده ادامه می‌دهیم تا اینکه رنگ صورتی دریاچه‌ای را می‌بینیم که به لیپار شـــهرت دارد؛ دریاچه‌ای که ما را برای توقفی هر چند کوتاه گول می‌زند. ســـپس دوباره چشممان به سواحل زیبای عمان می‌افتد و کم کم در میانه‌های جاده به کوه‌های مریخی می‌رســـیم که نشـــانه‌اش کمپ گردشگری آن است. حالا در جاده‌ای هستید که از یک سو کوه‌های

مریخی با رنگ رویایی خود شما را احاطه کرده‌اند و در سوی دیگر منظره خیال‌انگیز ســـاحل و دریا و ماسه‌های ســـرخ با درختچه‌های بیابانی به چشمتان می‌خورد. برای همین است که اینجا یکی از زیباترین جاده‌های ایران و زیباترین جاده استان لقب گرفته است. این تصویر تنها در چابهار به حقیقت می‌پیوندد و به یکی از زیباترین خاطره‌هایتان تبدیل می‌شود. حدود ۳۵ تا ۴۰ کیلومتر از شـــهر چابهار دور می‌شـــویم و در کنار جاده چشـــممان به یکی از شـــگفتی‌های طبیعت ایران می‌افتد که با عنوان کوه‌های مریخی یا مینیاتوری شناخته می‌شوند و در زبان محلی به کالاتی یا آریا شـــهرت دارد. کوه‌های مریخی دقیقا سمت چپ جاده چابهار به گواتر دیده می‌شوند؛ جایی در حوزه دهستان کهیر در شهرستان ساحلی کنارک. با رسیدن به این اثر طبیعی گویی سیاره‌ای دیگر پیش رویمان قرار دارد و به راحتی می‌توانیم آن را لمس کنیم.

کوه‌های مریخی رنگی میان طوســـی و ســـفید دارند و با تغییر نور روز، رنگ‌های متفاوتی به خـــود می‌گیرند. قدمت این کوه‌ها به چهار تا پنج میلیون ســـال قبل باز می‌گردد و رشـــته کوهی را تشکیل می‌دهند که ده‌ها کیلومتر به سمت شرق امتداد دارد. این رشته کوه در ادامه کوه‌های زاگرس شـــکل گرفته و کوه‌هایی را با ارتفاع متفاوت در خود جای داده اســـت؛ در جایی شـــاهد کوه‌های پنج متری هستیم و در نقطه‌ای دیگر به ناگاه ارتفاع آن‌ها از ۱۰۰ متر هم تجاوز می‌کند. جالب‌ترین نکته این کوه‌ها، سختی و مقاومت آن‌هاست. به گونه‌ای که برای بالا رفتن از آن‌ها باید تجربه صخره‌نوردی داشته باشید.

فسیل صدف و ماهی و نهنگ در برخی نقاط این منطقه پیدا می‌شوند و یکی از جذابیت‌های کوه‌های مریخی به شمار می‌آیند. این احتمال وجود دارد که کوه‌ها زمانی زیر آب‌های عمان قرار داشته‌اند و یا جزر و مد دریا خودش را به این منطقه رسانده و اثرش را اینگونه بر جای گذاشته است. یکی از ویژگی‌هایی که می‌تواند در تصمیم شما برای سفر به این کوه‌ها تاثیرگذار باشـــد، یک کمپ گردشگری است که در منطقه وجود دارد و امکانات خوبی را به شما ارائه می‌دهد. در ادامه بیشتر برایتان از کوه‌های مریخی می‌گوییم و اطلاعات مورد نیاز را در اختیارتان می‌گذاریم.

خوشگذرانی در کوه‌های مریخی

در سفر به کوه‌های مریخی از انجام فعالیت‌های زیر لذت ببرید:

۱- گشت‌وگذار در فضای مریخی: سفر به کوه‌های مریخی مانند این اســـت که قدم بر روی سیاره‌ای دیگر می‌گذارید. پس به جای جای این سیاره بروید و با ذهن کنجکاو خود همه جای آن را کشف کنید. مناظر مختلفی در گوشه و کنار آن منتظر شما هستند. خیالتان را پرواز دهید و دقایقی خود را بر روی مریخ تصور کنید. ذهنتان را پرواز دهید تا برای خودش قصه ببافد، اشـــکال تازه در میان کوه‌ها پیدا کند و رمز و رازهای تازه را بیابد.

۲- عکاسی: در سفر به کوه‌های مریخی، دوربین یا گوشی هوشمندتان را فرامـــوش نکنید. فکر می‌کنیـــد درچند جای دیگـــر، چنین منظره شـــگفت‌انگیزی وجود دارد و چه قدر ممکن اســـت که چنین چیزی را دوباره ببینید. پس در این سفر تصاویر خوبی را ثبت کنید تا برای همیشه جلوه زیبای این مریخ زمینی را به خاطر بسپارید.

۳- تماشای آسمان شب: اگر می‌توانیـــد، به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنید که شـــب را در حوالی این کوه‌ها به صبح برســـانید یا حداقل دقایقی از شب را در آنجا حضور داشـــته باشید. کوه‌های مینیاتوری در منطقه‌ای واقع شده‌اند که افق وسیعی دارد و به گفته کارشناسان آسمان این نقطه به شـــما قابلیت رصد همزمان ۱۴ صورت فلکـــی را می‌دهد. پس اگر از علاقه‌مندان ســـتاره‌نگری هستید یا می‌خواهید آسمان شب را زیباتر از همیشه ببینید، بار و بندیلتان را همراه خود به کوه‌های مریخی ببرید و شب را در آنجا بگذرانید.

۴- صخره نوردی: شاید دلتان بخواهد این کوه‌های مریخی را فتح کنید. چرا که نه؟ اگر به اصول سنگنوردی آشنایید و تجهیزات آن را نیز دارید، می‌توانید این تجربه متفاوت را برای خود رقم بزنید.

دکتر موسی حقانی، کشف حجاب را از اهداف کودتای ۱۲۹۹ می‌داند که جریان روشنفکری در آن پیشگام بود

سبک زندگی ایرانی، مانعی بر سر راه استعمار

◆ هدف از اعمال سیاست کشف حجاب در ایران چه بود و بیگانگان چگونه در اعمال این سیاست نقش داشتند؟

کشورهای خارجی از همان زمان که تهاجم گسترده را به ایران شروع کردند، با مانع‌های زیادی مواجه شدند؛ روحانیت شیعه و مرجعیت شیعه یکی از مهم‌ترین این موانع بود و علاوه بر این، سبک زندگی ایرانی‌ها، پایبندی آن‌ها به دین، مذهب، خانواده و سنت‌های ملی و قومی کشور، از موانع دیگر محسوب می‌شد. استعمار هم نه فقط برای غارت کردن، بلکه برای ماندن آمده بود تا این غارت به صورت دائمی ادامه داشته باشد؛ بخصوص اکتشاف و استخراج نفت در ایران باعث شد انگیزه‌های آن‌ها بیشتر شود. استعمارگران از این زمان به بعد می‌بایست برای ماندن و ادامه دادن استعمار خود، تلاش می‌کردند که سبک زندگی مردم ایران را دگرگون کنند. اگر سبک زندگی عوض شود، خود به خود نگاه‌ها هم عوض می‌شود و این حساسیت‌ها نسبت به کشورهای بیگانه و دخالت‌های خارجی رنگ می‌بازد و حتی به جایی می‌رسد که دول خارجی، متجاوز و بیگانه قلمداد نمی‌شوند. آن‌ها طرحی کلی برای کشورهای مورد هجوم خود داشتند که بتوانند تغییرات گسترده اجتماعی و فرهنگی ایجاد کنند تا غارتگری را که هدف اصلی آن‌ها بود به راحتی آغاز کنند و ادامه بدهند. در این راستا، یکی از موانعی که سر راه آن‌ها قرار داشت زن ایرانی بود؛ زن ایرانی با آن شکل پوشش و آدابی که داشت و تلاشی که برای تربیت فرزندان خود مبذول می‌کرد، مانع بزرگی در راه تحقق اهداف استعمارگرایانه غربیان بود.

◆ حجاب‌زدایی از زنان ایرانی از چه زمان و چگونه شروع شد؟

وقتی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رخ داد، کشف حجاب از جمله اهداف آن بود. عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» بحثی در خصوص کودتای ۱۲۹۹ مطرح می‌کند و در آنجا از کشف حجاب به عنوان یکی از اهداف کودتا نام می‌برد. او در خاطراتش نقل می‌کند که کنسول انگلیس در مشهد اهداف کودتا را بیان کرد که ازجمله آن‌ها بحث نفت ایران، غارت مالی ایران و مقابله با عزاداری و حجاب زنان بود. این را هم باید اضافه کنیم که در آن زمان، جریان روشنفکری در ماجرای کشف حجاب پیشگام بود و تبلیغ می‌کرد. با روی کار آمدن رضاخان و اهدافی که پشت پرده کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ بود، اهانت‌ها به حجاب زنان زیاد شد؛ مثلاً در نشریه ایران جوان که علی اکبر سیاسی منتشر می‌کرد، کاریکاتور یک زن با حجاب با چادر کشیده می‌شد و زیر آن می‌نوشتند: کلاغ سیاه!

از طرف دیگر هم رضاخان به غرب قول می‌دهد که همه سیاست‌هایی که به جهت آن کودتا صورت گرفت، از جمله کشف حجاب را عملی کند. سیاست در این مقطع این است که از خانم‌هایی که اقلیت بودند و معمولاً با عکس‌العمل جامعه در خصوص کشف حجاب مواجه می‌شدند، حمایت شود؛ مثلاً اگر زن بی‌حجابی در خیابان دیده می‌شد که البته بسیار معدود و کم شمار بود و کسی او را نهی از منکر می‌کرد، حاکمیت در حمایت از زن بی‌حجاب وارد ماجرا می‌شد. این سیاست تا سال ۱۳۰۶ ادامه داشت و با روی کار آمدن مخبرالسلطنه اعلام می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر ممنوع است و اقداماتی را برای تغییر لباس و کلاه مردان شروع می‌کنند.

در نشریات هم بحث تحصیل بانوان و مشارکت اجتماعی آنان مطرح می‌شود و پشت پرده هم نمی‌گویند که چه اتفاقی قرار است بیفتد. رفته‌رفته مسائلی را منتشر می‌کنند در خصوص بانوی متمدن، ازجمله اینکه بانوی متمدن اگر مردی غریبه وارد خانه‌اش شود، از او رو نمی‌گیرد و رو نمی‌پوشاند و آرایش هم می‌کند و رو به او می‌نشیند. این ساختارشکنی‌ها در کلوپ ایران که ادغام افراد حزب ایران نو تیمورتاش و ایران جوان علی‌اکبر سیاسی بود ادامه می‌یابد؛ در کلوپ ایران هرزگی و رقص مختلط زن و مرد، شراب‌خواری و این قبیل اقدامات صورت می‌گرفت.

این ساختارشکنی‌ها ادامه دارد تا می‌رسیم به سال ۱۳۱۴ که منع حجاب شروع می‌شود. تا سال ۱۳۱۴ مسئله کشف حجاب به شکل‌های مختلف دنبال می‌شد و از هر وسیله‌ای استفاده می‌شد که این ساختارشکنی انجام بگیرد. بعد از سفر رضاخان به ترکیه و دیدار با آتاتورک، کشف حجاب در ایران جدی‌تر دنبال شد؛ واسطه این سفر هم محمدعلی فروغی بود که با آتاتورک مناسبات خوبی داشت. رضاخان آنجا خیلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و در همان جا به اطرافیان اعلام می‌کند که ما باید این پروژه را در ایران اجرا کنیم. بعد کانون بانوان ایجاد شد و در همان سال ۱۳۱۴ اغلب خانم‌های ساختارشکن که همسرانشان در زمره روشنفکران عصر مشروطه و قبل از آن بودند، در کانون بانوان جمع شدند و قرار شد کانون بانوان این پروژه را دنبال کند. حتی این خانم‌ها به ترکیه رفتند و سعی کردند از تجربیات آن‌ها برای اجرای پروژه کشف حجاب در ایران استفاده کنند. رضاخان هم از این زمان با صراحت می‌گوید صورتاً و سیرتاً باید غربی شویم و یکی از مهم‌ترین نشانه‌های غربی شدن، برداشتن حجاب و منع حجاب است.

◆ باتوجه به ادعای مروجان بی‌حجابی، آیا کشف حجاب باعث آزادی زنان شد؟

واقعیت این است که رضاخان شعار آزادی و آزادی‌خواهی سر می‌داد، ولی وقتی به قدرت رسید حداقل‌ها را هم از مردم گرفت. همین حالا که کشورهای اروپایی خود را مهد آزادی می‌دانند، ببینید وضع بانوان با حجاب در آنجا به چه شکل است؛ در خیابان مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند و حتی در دانشگاه‌های فرانسه و مدارس و مراکز دولتی حکم می‌شود که هیچ زن با حجابی نمی‌تواند حضور پیدا کند. این‌ها با اینکه شرایط دینی و مذهبی را به رفتار ایدئولوژیک متهم می‌کنند، خودشان به سخت‌ترین نوع ایدئولوژی‌ها اعتقاد دارند و اعمال می‌کنند. البته باید اشاره کنیم که کشف حجاب فقط این نبود که اگر در خیابان بانوی با حجابی دیده می‌شد مورد ضرب و شتم عوامل رضاخان قرار می‌گرفت؛ در برخی مواقع وارد خانه‌های مردم هم می‌شدند. این چه آزادی‌ای است که طرف وارد خانه مردم شود و بخواهد چادر زن مردم را از پستو و صندوق‌خانه‌اش بیرون بکشد؟ در روستاهای دورافتاده ایران، همین مأموران حاضر می‌شدند و زنان و دختران را مورد تهدید قرار می‌دادند و چادر آن‌ها را بالای چوب می‌بردند و آن‌ها را آتش می‌زدند؛ مثل اینکه رفته‌اند و یک کشور دشمن را فتح کرده‌اند!

برخی از زنان و مردان ایرانی همه تلاش خود را کردند که در جشن کشف حجاب شرکت نکنند؛ چون همه ادارات و مراکز را مجبور کرده بودند که با همسرانشان بی‌حجاب بیایند. برخی از خانواده‌ها از ایران مهاجرت کردند و گفتند ما اینجا نمی‌مانیم. شما ببینید آن شخص از زندگی و کشورش دست می‌کشد و می‌رود، به خاطر چه؟ به‌خاطر سیاستی که در حجاب‌زدایی اعمال شد. چه در رابطه با کشورهای غربی و چه در رابطه با کسانی که برای غربی کردن جوامعی نظیر ایران تلاش می‌کنند، تجربه نشان داده است که این‌ها برای رسیدن به اهدافشان از اعمال هیچ زور و جنایتی پرهیز ندارند و اگر هم شعار آزادی بدهند در نهایت به محدودیت ختم می‌شود، برای اینکه بتوانند به اهداف خودشان برسند.

در نتیجه، نه تنها خبری از پیشرفت نبود بلکه حتی باعث شد تعدادی از زنان جامعه ایرانی به اجبار تن به این ماجرا بدهند، تعداد فراوانی هم که تن ندادند مجبور شدند مشقتی به طول ۶ سال تحمل کنند و حتی برای استحمام از خانه بیرون نروند؛ اگر هم ریسک کنند و خارج شوند، با کتک و چماق و باتوم ژاندارم‌ها و شهربانی‌چی‌ها مواجه شوند و همسرانشان احضار شوند و به دردسرهای سختی بیفتند؛ لذا بخش عمده‌ای از زنان ایرانی در آن زمان آزادی خودشان را از دست دادند.

| تاریخ | ۸۳ سال پیش، هفدهم دی ماه ۱۳۱۴ رضاخان دستور کشف حجاب از زنان ایرانی را صادر کرد تا به زعم خود ایرانیان را در مسیر تجدد قرار دهد؛ اقدامی استعماری که در تقابل آشکار با هویت دینی جامعه ایران بود و به گواه تاریخ، ره به ترکستان برد. به همین مناسبت، پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی گفت‌وگویی با دکتر موسی فقیه‌حقانی، مدیر مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران را منتشر کرده است که در ادامه می‌خوانیم. وی معتقد است، سبک زندگی ایرانی‌ها، پایبندی آن‌ها به حجاب، دین، مذهب، خانواده و سنت‌های ملی و قومی، از جمله موانع بر سر راه استعمارگران بود؛ لذا استعمار تلاش می‌کرد سبک زندگی مردم ایران را دگرگون کند.

برش

عبدالله مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» به نقل از کنسول انگلیس در مشهد، نفت ایران، غارت مالی ایران و مقابله با عزاداری و حجاب زنان ایرانی را از جمله اهداف کودتای ۱۲۹۹ ذکر می‌کند

خبر

«عدالت و توسعه» در «کانون اندیشه جوان»

اندیشه: سلسله نشست‌های «عدالت و توسعه» که در کانون اندیشه جوان برگزار می‌شود، از روز شنبه ۱۵ دی‌ماه آغاز شد و تا چهارشنبه ۱۹ دی ماه ادامه دارد. دومین جلسه از این برنامه، دیروز با نمایش مستند «شورش علیه سازندگی» آغاز شد و سپس عباس سلیمی نمین؛ رئیس دفتر مطالعات و تدوین تاریخ معاصر ایران و سید محمدمهدی طباطبایی؛ مدیرمسئول ماهنامه نسیم بیداری به نقد و بررسی این مستند پرداختند. در سومین نشست هم که امروز برگزار می‌شود ، ابراهیم رزاقی؛ اقتصاددان و مدرس دانشگاه و علی دینی ترکمانی؛ اقتصاددان، به بررسی «جریان‌شناسی سیاست‌گذاری عدالت اجتماعی و رفاه در دولت‌های پس از انقلاب اسلامی» خواهند پرداخت. چهارمین جلسه، فردا ۱۸ دی ماه برگزار می‌شود و در آن حسین راغفر؛ پژوهشگر عدالت اقتصادی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه الزهرا و محمد خوش چهره؛ اقتصاددان و استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، به بحث و بررسی مسئله «آسیب‌شناسی پیامدهای اجتماعی تجویز سیاست‌های اقتصادی لیبرال» می‌پردازند. در آخرین روز این برنامه، ساعت ۱۴ چهارشنبه ۱۹ دی ماه، مستند «هاشمی زنده است» پخش می‌شود و محمدحسن قدیری ابیانه؛ کارشناس مسائل سیاسی و حسین عبداللهی؛ مدیرمسئول روزنامه آرمان به نقد و بررسی آن می‌پردازند.

گفتنی است؛ در اولین نشست هم که روز شنبه برگزار شد، سید امیر سیاح؛ مدیر گروه دانش و اقتصاد شبکه یک سیما و حیدر مستخدمین حسینی؛ اقتصاددان و معاون پارلمانی وزیر امور اقتصاد و دارایی دولت هشتم به بررسی «ریشه‌های تاریخی و فرهنگی فساد اقتصادی در ایران» پرداختند.

این جلسات در کانون اندیشه جوان به نشانی تهران، خیابان وصال شیرازی، بالاتر از خیابان طالقانی، پلاک ۱۹ برگزار می‌شود.

انتشار شماره جدید فصلنامه «اقتصاد اسلامی»

شبستان: هفتاد و یکمین شماره فصلنامه علمی پژوهشی «اقتصاد اسلامی» به صاحب‌امتیازی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شد. مقالات این شماره عبارتند از: «اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام»، «تحلیل الگوی سهم‌بری عادلانه عوامل تولید با رویکرد اسلامی»، «سپرده تعاونی (امتیازی) به عنوان نسل دوم فعالیت‌های قرض‌الحسنه»، «الگوی پیشنهادی تدوین بودجه در دولت اسلامی»، «همبستگی بین دین‌داری با عملکرد تیمی و تصمیمات فردی در چارچوب بازی‌های رفتاری دو نفره»، «تحلیل ماهیت شبه‌رهانی و مدل‌سازی بازده بازار مالی مجازی فارکس در چارچوب نظریه‌بازی»، «ارائه بسته مدیریتی مطلوب و بومی جهت مدیریت عوامل خرد ریسک اعتباری در بانکداری بدون ربای ایران» و «بررسی فقهی معاملات اوراق اعتبار آلایندگی».

آگهی مرحله چهل و پنجم سال ۱۳۹۷(منطقه دو کرمان)
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو شهرستان کرمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

((آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی))

در اجرای مواد مذکور بدینوسیله املاکی که برابر اراء هیاتهای حل اختلاف موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ناحیه دو شهرستان کرمان تقاضای ثبت انها پذیرفته و ادامه عملیات ثبتی انها مطابق قانون مذکور تجویز گردیده است به ترتیب شماره پلاک فرعی از اصلی و بخش محل وقوع ملک و مشخصات مالک یا مالکین (متقاضیان ثبت) واقع در بخشهای (۲ - ۳) ثبتی شهرستان کرمان بشرح ذیل اگهی میشود تا در صورتی که شخص یا اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند بتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.شایان ذکر است صدور و تسلیم سند مالکیت بر اساس قانون مذکور مانع مراجع متضر به دادگاه نخواهد بود .

املاک تقاضای ثبت شده واقع در بخش ۲ کرمان

۱۴۷۱۴ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی مجزی شده از ۸۹۹ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی - ا قای حمید رضوانی نیا فرزند یداله به شناسنامه شماره ۷۵ صادره از کرمان در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۷۸ متر مربع به ادرس کرمان خیابان اسد ابادی کوچه شماره ۷ جنوبی یک شرقی خریداری از محل مالکیت ماشالله ثمره هدایت - ردیف ۸۶۹۳

۱۵۴۰۱ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی مجزی شده از ۸۹۹ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی - اقای مهدی حسنی فرزند علی با شناسنامه شماره ۵۸۶ صادره از کرمان در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۵۶/۵۹ متر مربع به ادرس کرمان خیابان سربار کوچه۲۴ قدوسی ۶۶شرقی ۵خریداری از محل مالکیت سید عباس ابراهیمی - ردیف ۸۴۱

۱۵۶۷۷ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی مجزی شده از ۴۱۳ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی - خانم سحر قربانی فرزند رضا با قیومیت اقای محمد قربانی به شناسنامه شماره ۲۹۸۱۹۷۴۴۲۴ صادره از کرمان در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۱۲/۶۵ متر مربع به ادرس کرمان خیابان سراسیاب خیابان چهار باغ شمالی چهار کوچه اول سمت چپ بن بست اول خریداری از محل مالکیت فاطمه حیدری فرسنگی - ردیف ۹۴۵

۱۵۸۰۸ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی مجزی شده از ۸۹۹ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی - اقای رسول باب دری فرزند عباس به شناسنامه شماره ۱۸۳۱ صادره از کرمان در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۴۵ متر مربع به ادرس کرمان شهرک صنعتی خیابان شهیدان محمدی کوچه شماره ۹ خریداری از محل مالکیت حمیده استوار سیرجانی - ردیف ۳۴۴

۱۵۸۱۵ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی مجزی شده از ۸۹۹ فرعی از ۳۹۶۸ اصلی - اقای یداله علینقی زاده بهارستانی فرزند کریم به شناسنامه شماره ۱ صادره از ماهان در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۰۵/۶۹ متر مربع به ادرس کرمان بزرگراه امام خیابان شهید قدوسی کوچه۵ سمت راست درب۳ خریداری از محل مالکیت جمشید عیش ابادی - ردیف ۳۶۱۴

۵۸۳۷ فرعی از ۳۹۸۲ اصلی مجزی شده از ۹ فرعی از ۳۹۸۲ اصلی - آقای محمد حاجی زاده خنامانی فرزند رضا به شناسنامه شماره ۸ صادره از بردسیر در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۲۲/۰۹ متر مربع به ادرس کرمان خیابان دستغیب خیابان محراب کوچه تکیه امام حسین خریداری از محل مالکیت افلاطون نفیسی - ردیف ۱۴۰۷

۴۱۳ فرعی از ۴۲۱۹ اصلی - خانم گلی اندی فرزند مرید به شناسنامه شماره ۴۰۷ صادره از جیرفت در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۳۱۱/۰۹ متر مربع به ادرس کرمان خیابان شهید قدوسی کوچه۴۵ خریداری از محل مالکیت حبیب اله ثمره فیلسوفی - ردیف ۴۱۹

۴۱۵ فرعی از ۴۲۱۹ اصلی - خانم نصرت پور شعبان مازندرانی فرزند اسداله به شناسنامه شماره ۱۷۷ صادره از کرمان در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۳۰۹/۰۸ متر مربع به ادرس کرمان خیابان سرباز کوچه۳۴ خریداری از محل مالکیت حبیب اله ثمره فیلسوفی - ردیف ۵۵۵

املاک تقاضای ثبت شده واقع در بخش ۳ کرمان

۲۰۶۹۳ فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - آقای محمدرضا بیگ زاده فرزند حبیب اله به شناسنامه شماره ۳۲۷۵ صادره از راین و خانم مریم راینی بیگ زاده فرزند حبیب اله به شناسنامه شماره ۵۲ صادره از راین بالمناصفه در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۹۹/۹۳ متر مربع با قید به اینکه موازی ۱۰۸/۴۰ متر مربع از ششدانگ عرصه مورد تقاضا متعلق بوقف میباشد به ادرس کرمان بلوار جهاد خیابان یاسین کوچه ۱۲قطعه ۵ سمت راست خریداری از محل مالکیت سید حسین طباطبایی - ردیفهای ۱۸۷ و ۱۸۸

۲۰۷۵۱فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - اقای محمد مهدی نداف زاده فرزند روح اله به شناسنامه شماره ۱۵۵۶ صادره از بم در ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۷/۷۷ متر مربع با قید به اینکه موازی ۲/۸۱ متر مربع از ششدانگ عرصه مورد تقاضا متعلق بوقف میباشد به ادرس کرمان بلوار جهاد نرسیده به کوچه ۶۲ خریداری از محل مالکیت علی غفوری-ردیف۴۸۱

۲۰۷۹۲فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - اقای علی دستوری فرزند محمود به شناسنامه شماره ۶۷۴ صادره از کرمان در ششدانگ یکباب مغازه مشتمل بر طبقه تحتانی و فوقانی به مساحت ۱۰۹/۸۱ متر مربع با قید به اینکه موازی ۳۹/۶۸ متر مربع از ششدانگ عرصه مورد تقاضا متعلق بوقف میباشد به ادرس کرمان خیابان بهمنیار روبرو کوچه شماره ۲۴ خریداری از محل مالکیت عبداله عدل اسفندیاری - ردیف ۲۶۷

۲۰۷۹۳فرعی از ۱۷۸۳ اصلی - اقای علی دستوری فرزند محمود به شناسنامه شماره ۶۷۴ صادره از کرمان در ششدانگ یکباب مغازه مشتمل بر طبقه تحتانی به مساحت ۱۵/۰۸ متر مربع با قید به اینکه موازی ۵/۴۵ متر مربع از ششدانگ عرصه مورد تقاضا متعلق بوقف میباشد به ادرس کرمان خیابان بهمنیار روبرو کوچه شماره ۲۴ خریداری از محل مالکیت عبداله عدل اسفندیاری - ردیف ۲۶۵

۳۱ فرعی از ۲۲۸۹ اصلی - آقای خشایار جهانگرد فرزند آلبرت به شناسنامه شماره ۴۹۱۴ صادره از کرمان و آقای کامیار ابراهیمی فرزند سلطانعلی به شناسنامه شماره ۲۶۵۰ صادره از تهران بالمناصفه در ششدانگ یکباب خانه

به مساحت ۶۹۸ متر مربع به ادرس کرمان خیابان امام کوچه والی آباد کوچه افشار خریداری از محل مالکیت احمد ابراهیمیی - ردیفهای ۰۱۴۲ و ۰۱۴۳

۲۲۰ فرعی از ۲۷۸۵ اصلی - خانم معصومه دهقان حسین ابادی فرزند حسین به شناسنامه شماره ۱۱۰۰۰ صادره از کرمان در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۷۸/۰۵ متر مربع با قید به اینکه موازی ۱۴/۸۷ متر مربع از ششدانگ عرصه مورد تقاضا متعلق بوقف میباشد به ادرس کرمان شرف اباد خیابان امام رضا کوچه شماره۳ خریداری از محل مالکیت محمد ایرانمنش - ردیف ۵۲۸

۲۳۵۶۰ فرعی از ۲۷۸۷ اصلی - اقای محمد دهقان احمد ابادی فرزند اکبر به شناسنامه شماره ۳ صادره از راین در ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۵۱/۶۸ متر مربع به ادرس کرمان بلوار رسالت کوچه ۱۷ خریداری از محل مالکیت حاج محمودپور زاده حسینی - ردیف ۴۴۷ آ- ۹۷۱۵۳۲۶

تاریخ انتشار نوبت اول : دوشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : دوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۰۱

رییس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو شهرستان کرمان
محمود مهدی زاده

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای امیر نوید باژرگه دارای شناسنامه شماره ۲۸۴۰۲۳۵۳۳۱ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۷۱۱۸۳ / ۵۷ ش از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان خورشید نوید باژرگه به شناسنامه شماره ۱۷۷ در تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۴ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ، ورثه آن مرحوم منحصر است به : ۱ - شهاب نوید باژرگه فرزند خورشید به شماره شناسنامه ۲۸۴۰۱۸۰۸۳۹ (پسر متوفی) ۲- امیر نوید باژرگه فرزند خورشید به شماره شناسنامه ۲۸۴۰۲۳۵۳۳۱ (پسر متوفی) ۳ - مریم نوید باژرگه فرزند خورشید به شماره شناسنامه ۲۸۴۰۵۶۲۶۳۴ (دختر متوفی) ۴ - گلین امین پورقهرمانی فرزند فیض به شماره شناسنامه ۹۳ (همسر متوفی) اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور به استناد ماده ۳۶۲ قانون امور حسبی را در یک نوبت و یک مرتبه آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشرآگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد .۹۷۱۵۳۴۸

سیدعباس عیدی - رئیس شعبه ۵۷ شورای حل اختلاف شهرستان ارومیه

شماره : ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۸۹۸۶
تاریخ : ۱۳۹۷/۱۰/۱۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۷۷۱۶-۱۳۹۷/۰۸/۲۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم لیلا فخراردونی فرزند حسین بشماره شناسنامه ۲۰۰ صادره از بیرجند در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۱۵,۲ مت رمربع پلاک ۵۴۰ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل قسمتی از مالکیت خانم صاحبجان زاردشت و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۱۵۳۳۲

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۱۰/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۱/۰۲

غلامرضا آقازاده
رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

مزایده نوبت دوم

بموجب کلاسه پرونده ۹۷/۸۹۵ این اجرا آقای علی فرخ پور فرزند رضا بپرداخت مبلغ ۱۱۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال بعنوان محکوم به درحق آقای احمد خزائیان فرزندمحمدعلی محکوم که به جهت عدم پرداخت محکوم به یکقطعه زمین به پلاک ثبتی شماره ۳۲۷۴ فرعی از۵اصلی،بخش۳توقیف که بمبلغ ۸۴۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی و مقرر است مورخ۹۷/۱۱/۷ ساعت ۱۹:۱۵ در این اجرا بفروش برسد.مزایده از قیمت کارشناسی شروع و به بالاترین مبلغ پیشنهادی واگذار میگردد.(م الف ۹۷/۱۰۰/۱۶۵۵)آ-۹۷۱۵۳۰۳

اجرای احکام مدنی شورای حل اختلاف شهرستان سبزوار

مزایده(نوبت دوم)

خواهان:۱-سیده عصمت وظیفه شناس خیرآبادی۲-سیده اشرف وظیفه شناس خیرآبادی بوکالت آقای سیدعلی قریشی خوانده:۱-سیداحمد۲-سیدمحمود۳-سیدرضا هرسه وظیفه شناس خیرآبادی فرزندان سیدعباس وظیفه شناس خیرآبادی-بموجب پرونده کلاسه ۹۷۱۲۳۱اجرای مدنی شعبه۳دادگاه حقوقی سبزوارو باستناد مواد۱و۴قانون افرازوفروش املاک مشاع مواد۹و۱۰آیینامه اجرایی آن وقانون منع خردشدن اراضی دستورفروش۳دانگ مشاع ازششدانگ پلاک ثبتی بشماره۲۰۶۴۱فرعی از۱اصلی بخش۱۲سبزوارواقع در۴۰متری اول نبش جوادیه شرقی راصادروپس ازکسرهزینه عملیات اجرایی باقیمانده وجوه حاصل ازفروش بین ورثه تقسیم شودلذا کارشناس منتخب ششدانگ پلاک مذکوررابشرح ذیل ارزیابی نموده است:سه دانگ مشاع ازششدانگ پلاک ثبتی۲۰۶۴۱فرعی ازیک اصلی بمساحت۸۵مترمربع نبش جوادیه شرقی که دارای۳دربندمغازه میباشدکه یکی ازمغازه ها دراول جوادیه میباشدخالی ودوباب مغازه که درنبش خ۴۰متری وجوادیه میباشدیکی دراجاره امیدفسنقری بمبلغ ۳میلیون پیش وماهیانه۲۰۰هزارتومان ومدت قراردادآن درمورخ۹۶/۴/۱باتمام رسیده ومغازه دیگردراجاره سیدقاسم باغجری بمبلغ۱۳میلیون تومان رهن وماهیانه مبلغ۱۵۰هزارتومان ومدت قراردادآن تامورخه۹۷/۴/۴باتمام رسیده وطبقه بالای مغازه هامسکونی میباشددرتصرف احدی ازفرزندان مرحوم سیدعباس وظیفه شناس(سیداحمد)میباشدکه بمبلغ ۱,۱۴۴,۰۰۰,۰۰۰ریال تعیین وتقویم میگردد.مقررگردیدمزایده روزدوشنبه ۱۳۹۷/۱۱/۱ ساعت۱۱ظهرازطریق مزایده حضوری وباحضورنماینده دادستان درمحل اجرای احکام مدنی دادگستری برگزارگردد.(م الف۹۷/۱۰۰/۱۶۴۵۱۲۱۶)آ-۹۷۱۵۳۳۳

شم آبادی-اجرای مدنی دادگستری سبزوار

ابلاغ وقت رسیدگی

آقای عباس اسکندری بدینوسیله به شما ابلاغ تا جهت دفاع از اتهام کلاهبرداری موضوع شکایت آقای عیسی تندکی ظرف مدت ۳۰روز از تاریخ نشر آگهی در شعبه اول دادسرای سبزوار حاضر و از اتهامات انتسابی دفاع نمایید. در صورت عدم حضور در موعد مقرر رسیدگی و اظهار عقیده میشود.(م الف۹۷/۱۰۰/۱۶۶۸)آ-۹۷۱۵۳۳۳

امیر گلستانی مقدم-دادیار شعبه اول دادسرای سبزوار

شماره : ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۸۴۱۸
تاریخ : ۱۳۹۷/۰۹/۲۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۶۸۱-۱۳۹۳/۰۲/۰۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رحیم قانع فرزند غلام علی بشماره شناسنامه ۸۱۹۱ صادره از تایباد در شششدانگ یک باب مغازه و طبقه فوقانی به مساحت ۳۲,۹۳ متر مربع پلاک ۲۴۷ فرعی از ۲۵۰ اصلی واقع در بخش ۱۴ مشهد شهرستان تایباد خریداری از محل تمامت مالکیت مشاعی متقاضی و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عمومی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۹۷۱۵۳۳۹

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۳۹۷/۱۰/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۷/۱۱/۰۲

غلامرضا آقازاده
رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد

آگهی مزایده ۹۷۰۰۱۷۰

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۷۰۰۱۷۰ ششدانگ پلاک دو هزار و هفتاد و هشت فرعی از هفتصد و سی و شش فرعی از سیصد و چهل و پنج- اصلی بخش ۷ درگز که ذیل ثبت ۸۷۴۸ دفتر ۵۸ صفحه ۵۱۲ به نام مژگان صانع ثبت و سند مالکیت صادر و سپس برابر تقاضای بستانکار کلاسه مذکور تعرفه و توقیف گردیده است که با تقاضای بستانکار و صدور اجرائیه و ابلاغ آن به مدیون نهایتاًمورد وثیقه طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال(ششصد میلیون ریال)مورد ارزیابی واقع و قطعیت یافته است و ششدانگ پلاک فوق به نشانی درگز خیابان مدرس انتهای مدرس بعد از تقاطع شهید رجایی قطعه چهارم سمت چپ که برابر نظر کارشناس پلاک فوق به صورت یک قطعه زمین با کاربری مسکونی به مساحت ۲۴۵/۶۴ متر مربع که تماما با سقف حلبی و خر پا پوشش داده شده است فقط دارای درب و دیوار محوطه و کف سازی می باشد که به مبلغ ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال(ششصد میلیون ریال)ارزیابی گردیده است. لذا مزایده از ساعت ۹ الی ۱۲ روز چهارشنبه مور

اخبار جام ملت‌های آسیا

مهدوی کیا: کار تیم ملی با ژاپن، کره و استرالیا سخت است

ورزش: مهدی مهدوی کیا که شب گذشته به همراه علی دایی جزو میهمانان ویـژه دیدار افتتاحیه جام ملت های آسـیا بود،در خصوص تیم ملی ایران و حمایـت هایی که باید از این تیم صورت بگیرد گفت: ما همه حامی ایران هسـتیم چون تیم ملی کشورمان است. ما از ته دلمان دعا می کنیم و دوسـت داریم ان‌شاءالله تیم ملی تایو را بشکند و به فینال جام ملت های آسیا برسـد.وی با اشاره به کار سخت ایران در مسـابقات جام ملت های آسیا گفت: ژاپن، کره و اسـترالیا تیم های بسیار قدرتمندی هسـتند و کار خیلی سخت اسـت. باید قبول کنیم که این کشـورهایی که نام بردم از نظر امکانات شرایط بسیار خوبی دارند و به همین دلیل کار تیم ما سخت خواهد بود.

الصاصی: بازی سختی مقابل ایران داریم

ورزش: سـتاره یمنی پیش از این دیدار در مصاحبه با روزنامه البیان امارات گفت: نسل کنونی بسیار خوش شانس هستند که برای اولین بار در تاریخ تیم ملی یمن فرصت بازی در جام ملت های آسیا را دارند. این درحالی است که کشور در شرایط سختی قرار دارد و لیگ یمن از ۴ سال گذشته تعطیل شده اسـت. خیلی خوب می دانیم که کار آسانی را در این رقابت ها نداریم.بخصوص بازی اول ما مقابل ایران با توجه به تفاوت هایی که میان ما و آن ها وجود دارد سخت است. تیم ملی ایران یکی از قدرت های فوتبال آسیاسـت و در جام جهانی ۲۰۱۸ روسـیه حضور داشته است اما ما تمام تلاش خود را می کنیم تا بهترین عملکرد را داشته باشیم و آمادگی های ما مثبت بود.

هافبک تیم ملی عراق بازی با ویتنام را از دست داد

ورزش: سایت اسـپورت عراق خبر داد که علی حصنی، هافبک ۲۴ ساله تیم ملی این کشور که در بازی دوسـتانه این تیم با فلسطین مصدوم شـده بود بازی اول با ویتنام را در جام ملت ها از دست داد. حصنی تمرینات را پیگیری می کند و برای بازی دوم با یمن در جام ملت های آسیا خواهد رسید.

کاپیتان یمن آماده بازی با ایران شد

ورزش: تیم ملی فوتبـال یمن تمریناتش را دیروز در ورزشـگاه باشـگاه الوحده ابوظبی برای دیدار با تیم ملی کشورمان در اولین بازی مرحله گروهی جام ملت های آسـیا ۲۰۱۹ پیگیری کرد.در این تمرین مهم ترین اتفاق این بود کـه محمد عباش، دروازه بان و کاپیتان تیم ملی یمن پس از ۶ روز غیبـت از تمرین گروهی به خاطر مصدومیت سرانجام در تمرینات گروهی حضور پیدا کرد و آماده بازی با ایران شد. حسین الغازی دیگر مصدوم تیم ملی یمن نیز آماده بازی شد.

عراق با ۶ غایب بزرگ در جام ملت ها

ورزش: روزنامه امارات الیوم در گزارشی به معرفی تیم ملی فوتبال عراق پرداخت و تاکید کرد که این تیم ۶ بازیکن تاثیر گذار خود را در جام ملت‌های آسیا در اختیار ندارد.

به نوشته این روزنامه در جام کشورهای عربی خلیج فارس ۶ بازیکن تاثیرگذار در ترکیب عراق بازی کردند که در جام ملت های آسـیا شاهد حضور آن ها نیستیم.

حاسـتین میرام، بازیکن کولومبوس آمریکا، ضرغام اسـماعیل و مصطفی ناظم به خاطر اسـیب‌دیدگی در فهرست نهایی قرار نگرفتند و اما مهند عبدالرحیم بهترین گلزن الـزوراء و مهدی کامل بازیکن الشرطه و سـعد عبدالامیر به طرز عجیبی در فهرسـت نهایی قرار نگرفتند تا عراق با ۶ غیبر اساسی نسـبت به جام کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به میدان برود.

پنالتی: هدیه داوران در افتتاحیه به میزبان ها

ورزش: در شرایطی که شاگردان زاکرونی در آستانه شکست مقابل بحرین بودند، ادهم مخادمه اردنی یک پنالتی به سود این تیم اعلام کرد تا احمد خلیل بازیکن تعویضی امارات دروازه بحرین را باز کرده و بازی را به تساوی بکشد. محمد الکف کمک دیداور ایران در حالی پنالتی را اعلام کرد که بحرینی ها اعتقاد داشتند برخورد توپ با دست جاسم پنالتی نیست.

در دوره های گذشته جام ملت های آسیا نیز پنالتی بحث برانگیز که برای میزبان ها گرفته نشده است. چهار سـال قبل استرالیا به اسـیانی توانسـت کویت را در بازی افتتاحیه شکست دهد که یکی از چهار گل اسـترالیا در آن بازی را روی نقطـه پنالتی به ثمر رسید.

در جام ملت های ۲۰۰۷ تیم تیم تایلند موفق شد با دبیه سوتی از روی نقطه پنالتی مقابل عراق گلزنی کرده و از شکست فرار کند. نکته جالب اینکه در سال ۲۰۰۴ در جام ملت های چین نیز میزبان از یک تیم به پنالتی بهره مند شد. چین در ادامه تورنمنت و بخصوص در بازی با ایران هم از داوری سود برده بود.

الهام گرفتن مهاجم هند از کریمی و دایی

ورزش: سـوئیل چتری، کاپیتان و مهاجم ۳۴ ساله تیم ملی فوتبال هند ضمن تمجید از ناکاتا اسطوره فوتبال ژاپن، ازعلی کریمی و علی دایی اسـطوره‌های فوتبال ایران به عنوان فوتبالیسـت‌هایی یاد کرد که در دوران حرفه‌ای خود از آن ها الهام گرفته اسـت. چتری که ۱۰۴ بازی ملی با ۶۵ گل زده در کارنامه‌اش به ثبت رسـیده اسـت، سابقه بازی مقابل تیم ملی ایران را هم دارد.

روایتی تازه از پنالتی چیپ یحیی

آی اسپورت: یکی از خاطرات تلخ ایرانی هـا از جام ملت‌ها پنالتی چیپی بود که یحیی گل محمدی آن را از دسـت داد. محمد نصرتی روایت تازه‌ای از آن اتفاق رو کرده است. او گفته: «وقتی بازه به پنالتی کشید معلی و تقی پور رفتند که بزنند. معلی بازیش تاثیر اش را به تیر زد و بعدش که قرار بود تقی پور بزند، دیدیم که خودش را قایم می کند و رنگش زرد شده و اصلا حالش بد شد! یحیی وقتی این حالت ابراهیم تقی پور را دید گفت خودم می زنم. من چون محروم بودم کنار زمین ایستاده بودم دیدم که یحیی گل محمدی رفت به مهدی مهدوی کیا گفت بزنت سوریا بزار نزام. که رفت چیپ زد و دروازه بان گرفت و افتاد حیف شد. جو تیم عالی بود و رفاقت در تیم موج می‌زد.همه چیز خوب بود به جز داور و پنالتی.»

بازیکنان استقلال اعتصاب کردند

آبی‌ها در گرداب مشکلات مالی

جواد رسـتم زاده: همین چند روز پیش بود که مهدی رحمتی در قامت کاپیتـان اسـتقلال در مصاحبه‌ای تند اعلام کرد؛ اوضاع اسـتقلال خراب تر از آن چیزی است که فکرش را بکنید و این اوضاع درسـت شـدنی نیست. با این حال کسی تصور نمی کرد که گلایه های رحمتی اینقدر زود اثر خودش را نشـان دهد و بازیکنان استقلال دست به اعتصاب بزنند.

نهایت ۲۰ درصد

بازیکنان اسـتقلال در نیمه فصل اول بیـن ۱۵ تا ۲۰ درصد مطالبـات خود را دریافـت کردند و با توجه به اینکه دیگر دریافتی نداشـتند دیروز حاضر نشـدند. در حالی که طبق اعلام سایت باشـگاه اسـتقلال قرار بود تعمریات این تیم از ۱۵ دی برای نیم‌فصل دوم آغاز شود اما این اتفاق نیفتاد و به نظر می رسد مشـکلات مالی باعث شده تا بازیکنان استقلال شرکت در تمرین این تیم را تحریم کنند. البته این به تعویق افتادن تمرین در حالی رخ داد که دیر رسـیدن شغر را بهانه کردند اما زمان دقیق برای شـروع دوباره تمریات از سوی باشگاه اسـتقلال رسانه‌ای نشده اسـت. همچنین بازیکنان اسـتقلال که قرار بود روز جمعه در تست پزشکی باشگاه برای نیم‌فصل دوم حضور پیدا کنند، اما بسـیاری از آن‌ها در این تست شرکت نکردند.

طعنه به وزارت

جالب اینکه بازیکنان استقلال معتقدند که پرسـپولیسی ها از حمایت وزارت و اسپانسر بر خوردارند و به همین دلیل مشکل مالی ندارند: از طرفی پرسپولیسـی ها هم که همین چند روز پیش عرصه را بر مدیریت جدید تنگ کردند و در تمرینات حاضر نشدند معتقدند هزینه های استقلال سه به فلک کشیده و آبی ها بیش از آنها از مواهب وزارت استفاده کردند.

معامه امیر اینکه در جلسه مجمع عادی باشگاه استقلال که ۵ دارنده در وزارت ورزش و جوانان و با حضور مسعود سلطانی‌فر وزیر ورزش برگزار شـد عباس ملکی به عنوان رئیس هیئت مدیره باشگاه اعلام کرد که باشگاه استقلال تا پایان سال ۹۸، هیچ مشکل مالی نخواهد داشت. رئیس پیشین هیئت مدیره استقلال عنوان کرد که این موضوع در تاریخ ۷۰ ساله باشگاه استقلال سـابقه نداشـته و تا این اندازه خیال ما و هواداران پرشمار استقلال از لحاظ مالی راحت نبوده است.

هزینه های گزاف

استقلال علاوه بر بدهی به بازیکنانش باید بازیکن جدید بخرد و البته پول توافق با گرو و نیومایـر را هم بدهد که رقم هایی کلان اسـت و به طور حتم مشـکلاتی را ایجاد خواهد کرد. در همین حال استقلالی ها بابت شکایت به cas برای پس گرفتن سوپرجام باید بالغ بر یک میلیارد هم هزینه کنند که در این شرایط هزینه گزافی برای باشگاه محسوب می شود.

رد پیشنهاد فتحی

اما مدیران اسـتقلال برای اینکه بتوانند بازیکنان را راضی به تمرین کردن کنند پیشنهادی به آنها داده اند که از سوی آنها رد شده است؛ امیرحسـین فتحی به بازیکنان گفته است که حاضر اسـت باید ۲۵ درصد از مطالبات بازیکنان و دو حواله به آنها پرداخـت کند که حواله اولی بـه ارزش ۱۲.۵ درصد قرارداد‌شان است و حوالـه بعدی تا ۱۵ روز دیگر می توانند آن را وصول کننـد و حوالـه دوم هم به همین ارزش یک مـاه و نیم دیگر قابل وصول است.

فتحی با این اقدام قصـد دارد بازیکنـان را راضی به تمرین کردن کند اما فعلا آنها نمی خواهنـد تن به این اقدام بدهند و می گویند تا پول های خود را به صورت نقد دریافت نکنند تمرین نخواهند کرد.

فرصت سوزی آبی ها

این در شرایطی است که استقلال تمرین های خود را از تمام تیم های لیگ برتری دیرتر شروع کرده است و آبی ها همین حالا هم کمتر از یک ماه فرصت دارند خود را آماده شروع نیمه فصل دوم لیگ برتر کنند؛ با این شـرایط باید منتظر ماند و دید اعتصاب اسـتقلالی ها تا چه زمانی ادامه دار خواهد بود و آیا بازیکنان راضی مـی شـوند در روزهای آینده در تمرین شرکت کنند یا نه.

شوچنکو: بهترین مربی برای میلان گتوزو است

اسطوره باشگاه میلان به تمجید از جنارو گتوزو پرداخت و مدعی شد که او می تواند کارهای بزرگـی با میلان انجام دهد. آندری شـوچنکو می گوید: باشـگاه باید به چمپیونولیگ برگردد؛ زیرا میلان به این رقابت ها تعلق دارد. به نظرم باشگاه سـخت در تلاش اسـت. میلان یک پروژه طولانی مدت دارد و باید آن را بسازد و کم کم به صدر فوتبال ایتالیا برگردد. سپس به صدر فوتبال اروپا به نظرم به زمان و صبر نیاز هست. گتوزو قطعا بهترین انتخاب برای هدایت میلان است. من از این رویکرد باشگاه که با افرادی مقتدر و مستحکم همکاری دارد، خوشم می آید.

بند عجیب در قرارداد دیاز: انتقال به یونایتد ممنوع

منچـرسیتی در قرارداد فروش سـتاره جوانش، ابراهیم دیاز، به رئال مادرید بند عجیبی درباره باشگاه منچـرسیتی یونایتد آورده تا مطمئن شود در صورت ترک رئال توسط او، از رقیبش ضربه نخواهد خورد. ابراهیم دیاز با قرارداد پنج‌ساله به ارزش ۱۹ میلیون پوند به رئال خواهد پیوست اما در قرارداد سینی و رئال ذکر شده که در انتقال‌های بعدی دیاز، ۱۵ درصد ارزش قرارداد به باشگاه سینی پرداخت خواهد شد. اما این بند درباره هر باشگاهی صادق نیست. سینی بند دیگری به قرارداد اضافه کرده که در صورتی که ابراهیم دیاز بخواهد به منچـرسیتی یونایتد ملحق شود، سینی ۴۰ درصد از ارزش قرارداد او را دریافت خواهد کرد.

امری: در نقل و انتقالات بازیکن متعهد می خواهیم

سرمربی آرسنال می گوید در فرصت نقل و انتقالات ژانویه به دنبال بازیکنانی است که در هر شرایطی در خدمت تیم بوده و نسبت به باشگاه تعهد داشته باشند. اونای امری معتقد است: فکر کنم باشگاه به دنبال جذب چند بازیکن است که بتوانند در چهار ماه آینده به ما کمک کنند. شاید در این فرصت نقل و انتقالات بتوانیم یک دفاع وسط جذب کنیم ولی این کار ساده‌ای نیست چون ماروپاوئوس هم بعد از پشت سر گذاشتن مصدومیت به ترکیب تیم برمی گردد. ما یک ویـنگر راست یا چپ هم می خواهیم، کسی که بتواند در این پست به ما کمک کند.

تیم اول آسیا به میدان می آید

استارت یوزها

ایران — یمن
دوشنبه ساعت ۱۹:۳۰
ورزشگاه محمد بن زائد شهر ابوظبی

سینا حسینی: حالا همه منتظرند تا در سومین بازی روز سوم رقابت های جام هفدهم شاهد رونمایی از تیم مدعی کارلوس کی روش باشند. کی روش به خوبی می داند که این تورنمنت از چه حسـاسیتی برخوردار است. حضور با ایران در دوره جام جهانی فوتبال و یک دوره بازی های جام ملت های آسیا و عدم دسـتیابی به موفقیت بزرگ و خیره کننده فشار عجیبی را به او وارد ساخته است. از این رو پیرمرد پرتغالی بهتر از هر کسی می داند که دوست و دشمنش در این مقطع منتظر نخسـتین نتیجه وی در جام ملت های آسیا هسـتند تا در بازد او قضاوت کنند.

هرچند فوتبال ایران در ۸ سال گذشـته با او شاهد پیشرفت و ترقی بوده است اما عدم دسـتیابی به موفقیتی خیره کننده سبب شده بخشـی از منتظران سرمربی پرتغالی باستفاده از این عنصر به وی کنایه بزنند که وی هیچ موفقیتی در کارنامه اش به ثبت نرسانده است. او در حال حاضر بهترین بازیکنان موجود در فوتبال ایران را در اختیار دارد و می خواهد اتفاقی که چهار سال پیش در سرزمین کانگوروها رخ داد و بر اساس یک سوت اشتباه ناچار به خداحافظی با جام شازدهم شد را جبران کند و کنترل همه چیز را در دست داشته باشد.

یمن خطرناک

جدال با یمن شاید از نگاه بسیاری از کارشناسان یک دیدار عادی و راحت به نظر بیاید اما سخت ترین بازیها برای یک تیم مدعی همان بازی هایی است که هیچ کسی آنها را سخت نمی داند. برگزترین تیم های جهان نیز برابر تیم های بی نام و نشـان با چالش مواجه خواهند شـد. از این رو کی روش و شاگردانش به خوبی می دانند اگر خود را از پیش برنده تصور کنند با یک چالش بزرگ رو به رو خواهند شد.

مشت بسته سی کیو

کی روش در بیست روز گذشته تیمش را از هرگونه اسـیبی دور نگه داشته است. او به تنهایی در برابر همه منتقدانش ایستادگی کرده و با آنها جنگیده تا فشار روانی حاکم بر اردوی تیم ملی را به خوبی کنترل کند تا استرانی امیدوار کننده در رقابت های جام ملت های آسیا داشته باشد. او ترکیب اصلی را در دیدار با ایران نیز در دست انتخاب کرده اما هنوز در برخی موارد تصمیمی قطعی را نگرفته اسـت. هرچند وی به هیچ عنوان در این باره حاضر به سـخنوری نشده اسـت و همه چیز را به روز مسابقه موکول کرده است اما از رفتار او در تمریـنات تیم ملی در ابوظبی کاملا پیداسـت اقای سی کیو مشت خودش را بار کرده است تا با گاردی بسته به مصاف یمن ناشناخته برود.

پیامات ترکیب

آنالیز عملکرد تیم یمن از هفته ها پیش آغاز شـده اسـت، کی روش تنها و تنها به این بازی فکر می کند و معتقد اسـت برای یک موفقیت بزرگ باید قدم به قدم پیش رفت. او در کنار آنالیز یمن توجه ویژه‌ای به ستاره های حاضر در اردوی این نیز دارد، وی به شدت علاقمند اسـت در این بازی از علی فلی زاده پدیده احتمالی ایران در جام ملت های آسیا استفاده کند. هرچند وی با مدیومیتی غیر منتظره مواجه شد اما کارهای تخصصی تیم بندسازی تیم ملی و گروه پزشکی کارلوس آلمیدوار گرد به‌تواند اوری برای حضور در ترکیب اصلی ایران استفاده کند.

در جریان این بازی، تیم اردن بعد از پشت سر گذاشتن دقایق نخسـت، با اگاهی حملاتی را روی دروازه قهرمان دوره گذشته تدارک دید. نتیجه اما با ارجاع نخسـت ۲۶ مشـخص شـد. زیرا روی یک ضربه کرنر اباس بنی یاسین، بازیکن اردن با ضربه سر دروازه استرالیا را فرو ریخت. اردن بعد از این گل در حالت دفاعی قرار نگرفت. اما استرالیا نتوانست در نیمه نخست عقب ماندگی خود را جبران کند.

در نیمه دوم تیم گراهام آرنولد، یکپارچه حمله شد و موقعیت های زیادی را هم خلـق کرد. حتی دقیقه ۸۶ توسط اروین به گل رسـید. اما داور آن را افسایدو مردود دانست به این ترتیب اردن موفق شد در دومین بازی جام، اولین برد مسابقات را به نام خود ثبت کرده و شگفتی بزرگی مقابل قهرمان دوره قبل خلق کند.

ارنولد: گل احمقانه‌ای به اردن اهدا کردیم!

گراهام ارنولد سرمربی تیم ملی استرالیا بعد از شکست عجیب برابر عمان در مسابقه اول جام ملت های آسیا گفت: ما به آن ها یک گل بسـیار بد و احمقانه هدیه و بازی را آرام شروع کردیم. اما نیمه دوم کنترل بازی را در دست داشتیم و موقعیت‌های فراوانی را خلق کردیم و اگر یک روز دیگر بود می توانستیم گل بزنیم و اردن را شکسـت دهیم.وی در ادامه گفت: بازیکنان من در روزهای اینده ریکاوری می کنند و با روحیه به مسابقات بازمی گردند. الان خیلی زود است در خصوص تغییرات در ترکیب صحبت کنیم.

برتری قاطع در آمار

کلاً ایران با تیم های ملی یمن و یمن جنوبی ۵ بار روبه‌رو شده که در هر ۵ دیدار به پیروزی رسیده است. آخرین تقابل این دو تیم به ۶ سال پیش برمی گردد که تیم ملی در رقابت های غرب آسیا در سال ۲۰۱۲ در مسابقاتی که بازیکنان اصلی ایران حضور نداشتند با نتیجه ۳ بر یک تیم ملی یمن را شکسـت دادند از تیم ملی ایران بازیکنی در این دوره حضور ندارد ولی ۸ بازیکن فعلی تیم ملی یمن در آن دوره از مسابقات حاضر بودند.

استار تر های خوب

تیم ملی از سال ۲۰۰۰ همیشه جام ملت های آسیا را با پیروزی آغاز کرده است و در این دوره نیز به دنبال حفظ این رکورد اسـت؛ با توجه به قدرت تیم های حاضر در گروه D، احتمال اینکه در پایان مرحله گروهی تکلیف تیم بخاست انقفاضل گل مشخص کند نزدیک است و با این اوصاف تیم ملی باید به دنبال پیروزی پر گل در بازی روز دوشنبه باشد. علیرضا جهانبخش از یونون مطرح فوتبال ایران در این بازی به دلیل مصدومیت غایب خواهد بود.

کی روش: تمرکز من روی بازی با یمن است

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران گفت: تمام تمرکز ما بازی با یمن است و روی چیز دیگری تمرکز ندارید. کی روش در پاسخ به این سوال که نظرش در مورد تیم های شگفتی ساز این دوره از بازی ها چیسـت گفت: مطمئنا مدعیان اصلی این مسـابقات رقابت و کوه هسـتند که در ۷۰ سال قبل سرمایه گذاری های زیادی در تیم های پایه انجام داده‌اند.

کی روش در خصوص اینکه هواداران ایران از تیم ملی حمایت می کنند و پیام شما به آنها چیسـت گفت: پیام من ساده اسـت. قبلاه هم به بازیکنانم گفته ام که وقتی بازی تمام می شود باید با سـر بلندی زمین را ترک کنید. آنها باید بدانند سـربلندی مردم شوند، فوتبال را به عنوان یک سرگرمی بازی می کنیم پس وظیفه بازیکنان این اسـت که به فکر شـاد کردن مردم کشورشان باشند.

سرمربی یمن: بازی برابر ایران آسان نیست

سرمربی تیم ملی یمن می گوید برابر یکی از بهترین تیم های حاضر در جام ملت‌ها به آسیا به میدان می روند. یان کوچیان، اظهار کرد: خیلی خوشحالیم که می توانیم جام ملت‌های آسیا را شروع کنیم. می دانیم که در این جام هم ایران مدعی قهرمانی است. ما در ماه اخیر عملکرد خوبی داشتیم و با آمادگی خوبی به مصاف ایران می رویم.

او بابیان این که ما می‌دانیم مقابل تیم بسـیار خوبی به میدان خواهیم رفت، افزود: بازیکنانی مانند طارمی، امیری و آزمون در تیم ملی ایران حضور دارند. در کل کی روش بازیکنان خوبی دارد. ما به خوبی ایران را آنالیز کرده‌ایم. با این وجود ما سبک بازی خودمان را داریم و از بازیکنان خودمان بهره می بریم.

کوچیان تاکید کرد: بازی برابر تیم ملی ایران به عنوان مدعی قهرمانی جام اسان نیست ولی ما تمام تلاش خودمان را برابر ایران به کار می گیریم.

او با اشاره به مشکلات تیمش گفت: ما مشکلات زیادی برای بازی ما چیسـت گفت: مطمئنا مدعیان اصلی این مسـابقات رقابت و کوه هسـتند که در ۷۰ سال قبل سرمایه گذاری های زیادی در تیم های پایه انجام داده‌اند.

کی روش در خصوص اینکه هواداران ایران از تیم ملی حمایت می کنند و پیام شما به آنها چیسـت گفت: پیام من ساده اسـت.

همراه با جام ملت های آسیا

AFC ASIAN CUP UAE 2019

اژدها وارد می شود

چین — قزاقستان
دوشنبه
ساعت ۱۴:۳۰
گروه C

ورزش : نخسـتین دیدار روز سـوم رقابت های جام هفدهم با دیدار چین – قزاقسـتان انجام خواهد شد. چینی ها به عنوان تیم دوم گروه سوم مسابقات می خواهند با ماچولو لیبی ایتالیایی یک آغاز رویایی داشته باشـند، از این رو پیروزی در این بازی اهمیت فوق العاده ای برای آنها دارد. هر چـند تیم چین با میانگین سـنی بالایی در این مسابقات حضور پیدا کرده است اما انگیزه چینی ها برای قرار گرفتن در جمع تیم های مدعی مرحله حذفی جام ملت ها سبب شده شاگردان لیبی تنها به موفقیت مقابل قزاقستان فکر کنند.

ملاقات تیم دوم و سوم گروه سـوم رقابت های مرحله گروهی جام ملت‌ها سرنوشـت دومین مدعی صعود به مرحله بعدی را مشخص خواهد کرد، چون در این گروه روی کاغذ که جـو چینی بیشـترین شـانس را برای راهیابی به مرحله بعدی برخوردار اسـت از این رو به اعتقاد کارشناسان برنده این دیدار می تواند نام خود را به عنوان دومین تیم مدعی این گروه ثبت کند.

خلیفه بن زائد شهر العین

بازی راحت برای مدعی قدیمی

کره جنوبی — فیلیپین
دوشنبه
ساعت ۱۷
گروه A

ورزش: فیلیپینی ها که برای نخسـتین بار حضور در جام ملت های آسیا را تجربه می کنند در نخستین بازی خود در مرحله گروهی مسابقات باید به مصاف یکی از باتجربه های جام بروند، تیمی که بدون تردید به عنوان یکی بزرگ از شانس های حضور در مراحل پایانی شناخته می‌شود.

کره جنوبی با این وجود نگران است همانطور که استرالیا مقابل اردن در دقایق ابتدایی با مشکل مواجه شـد و به دردسـر افتاد، در این بازی مقابل فیلیپین نیز با مشکل مواجه شود و کار برای آنها گره بخورد، با این وجود کارلو فنی که جزو چینی ها بهره گرفتن از بازیکنان بازی ساز و تاکتیکی قصد دارند از همان دقایق ابتدایی کار را با جدیت دنبال کنند تا کار را یکسره کنند و با چالشی برای ادامه کار رو به رو نشوند. پنجمین بازی جام هفدهم نخسـتین دیداری اسـت که در دبی برگزار می شود، پیش بینی می شود این دیدار با اسـتقبال گسـترده کره ای ها رو به رو شود و این نخسـتین بار یکی از ورزشگاه های کشور میزبان تا حدود زیادی پر از تماشاگر شود. این دیدار ساعت ۱۷ به وقت تهران در ورزشگاه آل مکتوم برگزار خواهد شد.

ورزشگاه آل مکتوم شهر دبی

اولین شگفتی جام

کانگوروها زمین خوردند

استرالیا ۰ | ۱ اردن

حسین نخعی شریف : نخسـتین شگفتی جام هفدهم در دومین بازی این تورنمنت رقم خورد و مدافع عنوان قهرمانی که بسیاری از کارشناسان آنها را نخبه نخست این گروه برای صدر نشینی می دانستند در برابر اردن با یک گل، نخسـتین تیم بازنده لقب گرفتند تا اردنی ها موقتا به عنوان نخسـتین تیم بـه امتیازی این مسـابقات شناخته شوند.

اردن که به عنوان تیم چهارم گروه دوم رقابت ها در این مسـابقات شرکت کرده بود،از نگاه کارشـناسان کمترین شانس را برای موفقیت در این مسـابقات داشت اما آنها با شـکست مدافع عنوان قهرمانی ثابت کردند می توانند به عنوان یک مدعی ظاهر شوند و برای تیم های بزرگ دردسر ساز شوند.

در جریان این بازی، تیم اردن بعد از پشت سر گذاشتن دقایق نخسـت، با اگاهی حملاتی را روی دروازه قهرمان دوره گذشته تدارک دید. نتیجه اما با ارجاع نخسـت ۲۶ مشـخص شـد. زیرا روی یک ضربه کرنر اباس بنی یاسین، بازیکن اردن با ضربه سر دروازه استرالیا را فرو ریخت. اردن بعد از این گل در حالت دفاعی قرار نگرفت. اما استرالیا نتوانست در نیمه نخست عقب ماندگی خود را جبران کند.

در نیمه دوم تیم گراهام آرنولد، یکپارچه حمله شـد و موقعیت های زیادی را هم خلـق کرد. حتی دقیقه ۸۶ توسط اروین به گل رسـید. اما داور آن را افسایدو مردود دانست به این ترتیب اردن موفق شـد در دومین بازی جام، اولین برد مسابقات را به نام خود ثبت کرده و شگفتی بزرگی مقابل قهرمان دوره قبل خلق کند.

ارنولد: گل احمقانه‌ای به اردن اهدا کردیم!

گراهام ارنولد سرمربی تیم ملی استرالیا بعد از شکست عجیب برابر عمان در مسابقه اول جام ملت های آسیا گفت: ما به آن ها یک گل بسـیار بد و احمقانه هدیه و بازی را آرام شروع کردیم. اما نیمه دوم کنترل بازی را در دست داشتیم و موقعیت‌های فراوانی را خلق کردیم و اگر یک روز دیگر بود می توانستیم گل بزنیم و اردن را شکسـت دهیم.وی در ادامه گفت: بازیکنان من در روزهای اینده ریکاوری می کنند و با روحیه به مسابقات بازمی گردند. الان خیلی زود است در خصوص تغییرات در ترکیب صحبت کنیم.

جدول گروه B

اول	اردن	۲	بازی: ۱ برد: ۱ مساوی: ۰ باخت: ۰
دوم	سوریه	۱	بازی: ۱ برد: ۰ مساوی: ۱ باخت: ۰
سوم	فلسطین	۱	بازی: ۱ برد: ۰ مساوی: ۱ باخت: ۰
چهارم	استرالیا	۰	بازی: ۱ برد: ۰ مساوی: ۰ باخت: ۱

اولین برد بعد از ۵۵ سال

پیروزی به سبک هندی

هند ۴ | ۱ تایلند

امیر محمد سلطانپور: بعد از اینکه روز دوم رقابت‌های جام ملت های آسیا با شگفتی شکسـت استرالیا آغاز شد در دومین بازی دیروز شکل جالب تری نیز به خود گرفت و شاهد پرده برداری از یک تیم جذاب ماندند هند.بودیم در چند سال گذشته این کشور یک میلیارد و سیصد میلیون نفری تلاش زیادی با جذب سرمایه های مختلف برای رشد رشته فوتبال انجام داده و می توان اولین نشان های این پیشرفت را در پیروزی پر گل ۴-۱ هند مقابل تایلند ببینیم جایی برای تیم تایلند که شاید مسیر مخالف هند را در چند سال گذشته از لحاظ پیشرفت در پیش گرفته و اسیر اتحاد و بازی ساده اما موثر هندی ها شود. هند که باشـد. تایلند شرق آسیا را بر اول مقابل قدرت هند سوریه برپا شد، هنوز فرصت جبران داشته و می تواند با کسب سه امتیاز و پایان دادن به این طلسم دارد. آن ها با کمک اسوئیل چتری، مهاجم باتجربه و پر سن و سال خود که هر دو نیمه یک گل به ثمر رسـاند در نهایت به پیروزی ۴-۱ رسیدند تا به این دستاورد تاریخی رسیده و همینطور با توجه به تساوی بحرین و امارات در بازی اول، از همین حالا خود را در موقعیت بسیار خوبی در جدول برای صعود نیز قرار دهند.

هند در بازی بعدی شاید بازی با حساسترین مسابقات تاریخ خود را در مقابل امـارات میزبان برگزار خواهد کرد تا بتواند با کسب یک نتیجه مثبت و حتی مساوی تقریبا کار خود را برای صعود به دور بعد قطعی کرده باشـد. تایلند نیز که در بازی اول مقابل قدرت هند سوریه بر پا شد، هنوز فرصت جبران داشته و می تواند با شکست بحرین به مسابقات برگردد.

چتری: فعل خواستن را صرف کردیم

کاپیتان و زننده دو گل تیم ملی هند پس از پیروزی ۴ بر یک تیم کشـورش مقابل تایلند در اولین بازی جام، به تمجید از هم تیمی هایش پرداخت. سوئیل چتری گفت: «خوشحالم که برنده این مسابقه شدیم. ما خیلی فشـرده بازی کردیم و توانستیم به خواسته خود برسیم. واقعا احساس ما برای توصیف احساسی که داریم پس از کسب این پیروزی وصف شدنی نیسـت. بازیکنان ما به خوبی فعل خواستن را صرف کردند. از همه هندی ها که در استادیوم حاضر بودند تشکر می کنم، ما تمام تلاشمان را برای شادی آن ها انجام دادیم»

جدول گروه A

اول	هند	۲	بازی: ۱ برد: ۱ مساوی: ۰ باخت: ۰
دوم	امارات	۱	بازی: ۱ برد: ۰ مساوی: ۱ باخت: ۰
سوم	بحرین	۱	بازی: ۱ برد: ۰ مساوی: ۱ باخت: ۰
چهارم	تایلند	۰	بازی: ۱ برد: ۰ مساوی: ۰ باخت: ۱

«آقاتختی» در قاب عکس‌های حمید عربلین

پهلوانان نمی‌میرند

مسعود نبی‌دوست – اولین بار اسـم آقاتختی را وقتی خیلی کوچک بودم، شـنیدم. بابایزرگ می گفت: «شـاهپور غلومرضا افتاده بود روی دود دشـمنی. می گفتن وقتـی اومده امجدیه، کسی تحویلش نگرفته، ولی بعد که تختی اومده، همه تشویقش کردن. همونجا حکم قتل تختی امضا شد!» من آن موقع اصلا اصلا نمی دانستم بابایزرگ دارد از راز سربه‌مهری صحبت می کند که هر عشق تختی یک جور برای خودش حلش کرده! رازی که با مرگ شهلا توکلی هم همچنان سر به مهر باقی ماند تا هنوز هم کسی نداند آن شب چه اتفاقی در اتاق ۲۳ هتل آتلانتیک افتاد.

بعدها اما خودم حسـابی عاشـق تختی شـده بودم. تلویزیون صندوقچه‌ای خانه مامان بزرگ که عکسـش را نشـان می داد، می بردم و شـیشه‌اش را می بوسـیدم. بعدا حتی گشـتم و شماره بابک را پیدا کردم. نمی‌دانم چرا ولی دوسـت داشتم قدری نزدیک‌تر بایستم. دوست داشتم بروم توی دل ماجرایی که سال‌ها پیش تمام شده بود. رفتم این بلوبه سر مزارش. بعدها هم که فیس‌بوک آمد، صفحه «غلامرضا تختی» را پیدا کردم. شنیده بودم که مال نوماش اسـت؛ غلامرضای نوجوان که حالا دیگر ایران نبود. یادم هست پیامی هم فرستادم، ولی یادم نیسـت کسی جواب داد یا نه.

که بعد این همه سال هنوز هم که نام آقاتختی را بشنود، اشکش دم مشکش است! دمی که همه این سال‌ها گشته و یک آرشیو پر و پیمان از عکس‌های آقاتختی جمع کرده؛ عکس‌هایی از روزهای قهرمانی‌اش، روزهای مبارزات سیاسی‌اش، روزی که برای زلزله پول جمع می کرد و... حمید عربلین بعد این همه سال هنوز هم که هنوز است تمام گزارش روزنامه اطلاعات از مبارزه احمد وفادار و آقاتختی را به خاطر دارد درست انگار امروز همان روز است و حمید عربلین پسر نوجوانی که خودش را رسانده به کشتی پهلوان اولی کشـور... گزارش را از بر می خواند: «سالن یک تکه شور و هیجان ایسـتم. دوست داشـتم بروم توی دل ماجرایی که سال‌ها پیش تمام شده بود. رفتم این بلوبه سر مزارش. بعدها هم که فیس‌بوک آمد، صفحه «غلامرضا تختی» را پیدا کردم. شنیده بودم

گزارشی از دومین دوره جشنواره «چله نمایش ما» در خراسان رضوی

هدف جشنواره، احیای تئاتر مردمی است

ادب و هنر / تهمینه بهزادی | چند روزی است که دومین دوره جشنواره مردمی «چله نمایش ما» با مضامین هنری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از سوی حوزه هنری انقلاب اسلامی خراسان رضوی آغاز به کار کرده است. بر این اساس نمایش‌های منتخب این جشنواره در مکان‌های عمومی از جمله معابر پررفت و آمد، بوستان ها، مساجد و واحدهای آموزشی نمایش‌های خود را اجرا خواهند کرد.

اولین دوره «چله نمایش ما» به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب در سال گذشته شروع شد و امسال نیز دومین دوره این جشنواره مردمی در حال برگزاری است. این جشنواره امسال با انتخاب شعار «حماسه اقتصادی» از همه گروه‌های نمایش حرفه‌ای، مسجدی، دانش آموزی و آزاد برای شرکت در این جشنواره هنری دعوت کرده است.

چله نمایش ما در سطح استان خراسان برگزار می‌شود و برگزارکنندگان اظهار امیدواری می‌کنند در سال‌های آینده بتوانند این جشنواره را در سطح کشوری گسترش دهند.

«چله نمایش ما» آشتی مردم عادی با تئاتر

هدف از برگزاری «چله نمایش ما» آشتی طیف مذهبی و مردم عادی با هنر تئاتر بود.

محمد ملتجی؛ دبیر اولین دوره جشنواره مردمی «چله نمایش ما» ضمن بیان این مطلب، در خصوص اهداف برگزاری این جشنواره چنین می‌گوید: از آنجایی که در سال‌های اخیر هنر تئاتر به سمت تئاترهای روشنفکری و لاکچری رفته و از حال و هوای روزمره مردم فاصله گرفته است، تصمیم گرفتیم این هنر را به گونه‌ای به سمت مردم ببریم. به هر حال مردم مذهبی که به مسجد می‌روند و تعلقات مذهبی دارند، با این نوع تئاتر بیگانه‌اند اما اگر تئاتری از جنس خود آن‌ها به آن‌ها ارائه شود حتماً به این هنر علاقه‌مند می‌شوند؛ برای همین تئاتر را به سمت و سویی بردیم که بشود آن را در محلات، مساجد و مدارس اجرا کرد.

به گفته این هنرمند، یکی از اهداف چله نمایش ما، احیا و زنده کردن تئاتر مردمی بود.

این نویسنده و کارگردان ادامه می‌دهد: با هدف آشتی مردم با هنر تئاتر، در فراخوان سال گذشته جشنواره موضوع‌هایی اعلام شد که دغدغه روز مردم است، سوژه‌هایی مثل گرانی، تولید ملی، مشکلات معیشتی و اقتصادی، بیکاری کارگران و موضوعاتی اینچنینی که با استقبال مردم و هنرمندان هم روبه‌رو شد.

محمد ملتجی

پرونده جشنواره چله نمایش ما نباید پس از پایان جشنواره بسته شود و این جشنواره باید با ایجاد دبیرخانه دائمی متون و نمایش‌های خوب را مورد توجه و تفقد قرار دهد و از آن‌ها حمایت کند

از فرم‌های پیچیده تئاترهای روز خبری نیست

دبیر اولین دوره جشنواره «چله نمایش ما» با بیان اینکه در تئاترهای این جشنواره بر خلاف تئاترهای امروز از فرم‌های پیچیده تئاترهای روز و حرکات موزون بیگانه با مردم خبری نیست، بیان کرد: این تئاتر در مکان‌های عمومی و مردمی مثل مدارس، محلات و مساجد برگزار شد که به دلیل بالا بودن کیفیت آثار با استقبال مردم روبه‌رو شد و برگزارکنندگان را به اهداف خودشان نزدیک کرد.

ملتجی در ادامه گفت‌وگو بر توجه بیشتر مسئولان به این نوع تئاتر تأکید کرد. وی گفت: تئاتر دانش آموزی مقوله‌ای جدی است که از آن غافل شده‌ایم. از آنجایی که دانش‌آموزان از «چله نمایش ما» بیش از سایر گروه‌های مردمی استقبال کردند، شرایط خوبی فراهم شده است تا آثار این‌ها جمع آوری شود و به عنوان استعدادهای کشف شده از آن‌ها حمایت شود.

به اعتقاد این کارگردان، پرونده جشنواره چله نمایش ما نباید پس از پایان جشنواره بسته شود و این جشنواره باید با ایجاد دبیرخانه دائمی متون و نمایش‌های خوب را مورد توجه و تفقد قرار دهد و از آن‌ها حمایت کند. وی در همین زمینه افزود: دبیرخانه می‌تواند در طول سال تا زمان شروع دور بعدی جشنواره، نشست‌هایی با کارگردان‌های تئاتر و هنرمندان این عرصه داشته باشد و حتی شرایط اجرا و انتشار متون را فراهم کند.

رها شدن استعدادها، خلأ بزرگ جشنواره

دبیر اولین دوره جشنواره «چله نمایش ما» رها شدن استعدادهای این جشنواره را یکی از خلأهای این رویداد مردمی عنوان کرد. او گفت: افرادی که در این جشنواره شرکت می‌کنند استعدادهای جوان و پرانرژی هستند که باید آن‌ها را غنیمت‌های فرهنگ و هنر دانست و برای شکوفایی و هدایت و آموزش آن‌ها برنامه‌ریزی دقیقی انجام داد.

غلامرضا سالم

تئاتر هنری است که از غرب آمده و اتفاقات و جشنواره چله نمایش ما می‌تواند به ما در جهت ایرانیزه و اسلامیزه کردن این هنر کمک کند. پس باید استعدادهایی را که در قالب این جشنواره‌ها کشف می‌شوند، جدی بگیریم

وی با بیان اینکه تئاتر، هنری بومی و ایرانی نیست، معتقد است: تئاتر هنری است که از غرب آمده و اتفاقات و اقداماتی نظیر جشنواره چله نمایش ما می‌تواند به ما در جهت ایرانیزه و اسلامیزه کردن این هنر کمک کند. پس باید استعدادهایی را که در قالب این جشنواره‌ها کشف می‌شوند، جدی بگیریم. چله نمایش ما ابزاری در جهت رسیدن به تئاتری ایرانی-اسلامی است.

به دنبال تولید تئاتر حرفه‌ای نیستیم

غلامرضا سالم، دبیر هنری دومین دوره جشنواره «چله نمایش ما» با بیان اینکه هدف ما از برگزاری این جشنواره تولید تئاتر حرفه‌ای نبوده است، گفت: ما خواستیم با ایجاد این جشنواره از گروه‌هایی که در مساجد و مدارس به تولید و اجرای تئاتر می‌پردازند، حمایت و زمینه رشد را برای حضور جدی آن‌ها در عرصه تئاتر فراهم کنیم.

وی دغدغه ایجاد هنر مردمی را یکی دیگر از اهداف این جشنواره عنوان کرد و گفت: از اول انقلاب، هنرمندانی که دغدغه‌های انقلابی داشتند به دنبال این بودند که چگونه می‌شود هنر را با دغدغه‌های مردم گره زد و اساس تشکیلاتی مثل سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری هم همین دغدغه بوده است. اما با تشتت برنامه و اختلاف سلیقه نمی‌توان به جایی رسید و برای رسیدن به این منظور باید هم افزایی بین ارگان‌ها و سازمان‌های متولی وجود داشته باشد، نه اینکه سازمان تبلیغات و ارشاد هر کدام راه خودشان را بروند. در صورت وجود روحیه تعاون و همفکری، این جشنواره به اهدافش خواهد رسید، در غیر این صورت به همان سرنوشت جشنواره‌های دیگر دچار می‌شود؛ یعنی در حد برگزار شدن، جایزه دادن و رها شدن برگزیدگان!

این هنرمند با بیان اینکه تا زمینه‌های اجرای این نمایش‌ها مهیا نشود، نمی‌توان از این جشنواره توقع زیادی داشت و به دنبال ایجاد تئاتری مردمی بود، بر همکاری و همفکری نهادهای مختلف فرهنگی در جهت هدفمند شدن این جشنواره تأکید کرد.

سالم گفت: برای حمایت از استعدادهای تئاتر مسجد و دانش‌آموزی نیازی به ابزارهای تئاتر حرفه‌ای نیست، فقط باید این گروه‌های تئاتری را جدی بگیریم و از آن‌ها حمایت کنیم؛ این حمایت می‌تواند هم فراهم کردن بستر اجرای این تئاترها باشد و هم آموزش استعدادهای کشف شده.

کیفیت خوب متن‌های ارسالی به جشنواره

وی افزود: متن‌هایی به دست ما رسیده که اگر به آن‌ها اعتماد و از آن‌ها حمایت کنیم حتماً می‌توانند قدم‌های خوبی در مسیر حرفه‌ای شدن بردارند. به هر حال همه افرادی که در این جشنواره شرکت کردند جوان هستند و در همین شرایط فرهنگی و اقتصادی بزرگ شده‌اند و در آثار هنری شان هم حرف‌های زیادی برای گفتن خواهند داشت.

سالم خاطرنشان کرد: در این جشنواره محتوای آثار بیشتر از بحث‌های تکنیکی برای ما اهمیت دارد، به‌طوری که در مرحله اول ملاک این است که نمایش، حرف خوب را با اجرای خوب ارائه دهد، اما اگر نمایشی حرفی برای گفتن داشته باشد بر موضوعات تکنیکی اولویت دارد.

یادداشت

آرش شفاعی

درسی از «پاره سنگ» یراحی

نماهنگی از «مهدی یراحی» خواننده موسیقی پاپ منتشر شده است که بلافاصله پس از انتشار جنجال‌آفرین می‌شود. بسیاری از کاربران در فضای مجازی با اشاره به نشانه‌هایی از جمله یونیفرم سربازان روس و بازوبند آلمان نازی، این نماهنگ را توهینی به شهدا و تعریض به دفاع مقدس می‌دانند و از خواننده و اثرش انتقاد می‌کنند. همزمان خواننده در یک کنسرت در اهواز لباس کارگران را به تن می‌کند و به روی سن می‌رود. در عرض چند روز «مهدی یراحی» به خبر اول تبدیل می‌شود. همان کاربران جوگیر رسانه‌های اجتماعی که تا دیروز او را به خاطر حضور در جشنواره دولتی موسیقی فجر و صدا و سیما، خواننده دولتی و حکومتی می‌خواندند؛ ناگهان او را صدای مردم می‌بینند و بی‌بی‌سی و من و تو برایش گزارش خبری می‌سازند.

در این میان خبرهای متناقض و ضد و نقیض از وزارت ارشاد به گوش می‌رسد، برخی خبرها حاکی است که این خواننده از ادامه فعالیت هنری منع شده است، برخی خبرها حکایت از این دارد که او می‌تواند به کارش ادامه دهد، ولی سکوت وزارت ارشاد در این باره چند روزی طول می‌کشد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که درباره موضوعات ریز و درشت و نامرتبط با حوزه کاری اش، دست به توییت خوبی دارد، طبق معمول در این خصوص سکوت را ترجیح می‌دهد، تا اینکه یکی از مسئولان وزارت ارشاد مصاحبه می‌کند و مدعی می‌شود که آنچه منتشر شده هم از منظر شعر و هم از منظر اثر تصویری، با مجوز دریافت شده متفاوت است و به همین دلیل این کلیپ غیرقانونی است. از طرف دیگر باز هم مسئولان وزارت ارشاد درباره امکان ادامه کار خواننده پاسخ روشنی نمی‌دهند و آن را به بررسی‌های بیشتر موکول می‌کنند. اگر وزارت ارشاد پس از چند روز از انتشار یک نماهنگ و با وجود این همه سروصدا و بحث و رسیدن خبر به رسانه‌های بیگانه، تازه متوجه می‌شود چیزی که منتشر شده است، با چیزی که مجوز گرفته است؛ متفاوت است، واقعاً بود و نبودش تأثیری دارد؟ فرض کنیم که وزارت ارشاد امروز این نماهنگ را غیرقانونی هم اعلام کرد و اصلاً خواننده را برای مدتی از کار تعلیق کرد، در اصل قضیه تفاوتی حاصل می‌شود؟ این نماهنگ در شمارگان بالا تکثیر شده و همه آن را دیده‌اند و مشخص شده است حربه مجوز دادن و مجوز گرفتن دیگر از دست وزارت ارشاد خارج شده است، آن هم وزارتخانه‌ای که چنین کُند و با تأخیر وارد ماجرا می‌شود.

اگر مجوزهای وزارت ارشاد این‌قدر راحت قابلیت دور زدن دارد، چرا اصلاً باید ادارات و افرادی در این وزارتخانه برای صدور مجوز حقوق بگیرند و دم و دستگاهی بزرگ و مفصل در کار صدور مجوزی باشد که با یک کلیپ چند دقیقه‌ای می‌توان آن را به دور انداخت و مسئول صدور مجوز هم اعتماد به نفس دفاع از مجوز خود را ندارد و سعی می‌کند با واگذار کردن همه چیز به زمان، از این بحران هم بیرون بیاید.

ماجرای «مهدی یراحی» فقط آزمونی برای عیارسنجی خواننده‌ای که با حمایت نهادهای رسمی و دولتی مطرح شد و این گونه به همه چیز پشت پا زد، نیست؛ آزمونی برای سنجش میزان اعتقاد واقعی وزارت ارشاد به مجوزهایی است که خود صادر می‌کند؛ باید دید دفتر موسیقی وزارت ارشاد مانند قضیه آلبوم «ابراهیم» محسن چاووشی، همه چیز را با یک بستنی خوردن رفع و رجوع خواهد کرد؟

خبر

گردهمایی شاعران رسانه در محفل شعر فجر

ادب و هنر: در دومین محفل از محافل سیزدهمین جشنواره بین‌المللی شعر فجر، گردهمایی «شاعران رسانه» برگزار می‌شود.

ابراهیم اسماعیلی‌اراضی، دبیر این محفل گفت: در این برنامه شاعران روزنامه‌نگار و خبرنگار رسانه‌های مکتوب و مجازی، شعرخوانی خواهند کرد.

وی افزود: تجلیل از تیمور گورگین (شاعر، ترانه‌سرا، روزنامه‌نگار)، علیرضا طبایی (شاعر و مدیر صفحات ادبی)، فریدون صدیقی (استاد پیشکسوت روزنامه‌نگاری) و صدیق تعریف (خواننده و موسیقی‌پژوه) از دیگر برنامه‌های این محفل خواهد بود. این محفل ساعت ۱۶ سه‌شنبه هجدهم دی‌ماه جاری در تالار رودکی (جنب تالار وحدت) برگزار خواهد شد و در آن مریم آموسا، علیرضا بندری، علیرضا بهرامی، زهیر توکلی، شهاب دارابیان، ساره دستاران، صادق رحمانی، محمد رمضانی فرخانی، آرش شفاعی، حامد عسکری، مرتضی کاردر، هاشم کرونی، عباس کریمی و... شعرخوانی خواهند کرد.

جاده «بودجه فرهنگ و هنر» باریک می‌شود!

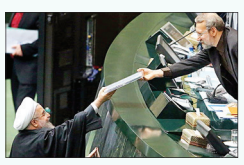

ایرنا: لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور اوایل دی‌ماه جاری توسط حجت‌الاسلام حسن روحانی، رئیس جمهوری تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. بودجه پیشنهادی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای سال ۱۳۹۸، مبلغ ۱۴۱۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده درحالی که در لایحه بودجه سال ۹۷، در مجموع رقم بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۱۲ میلیارد تومان درنظر گرفته شده بود که این تابلوی باریک شدن جاده بودجه را در مقابل این دستگاه اجرایی عریض قرار می‌دهد. با عنایت به نقش مهم و بی‌بدیل فرهنگ در جوامع و تأثیرگذاری آن بر دیگر حوزه‌ها و عرصه‌ها، بدون شک هزینه‌کرد در این حوزه به مراتب می‌تواند نقش مثمرثمری را در جامعه ایفا کند. این در حالی است که بسیاری از حوزه‌های دیگر با هزینه‌های بیشتر، شاید خروجی و نتیجه کمتری داشته باشند. در حالی‌که ۴۵۰ نهاد، سازمان و مرکز در کشور فعالیت فرهنگی دارند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این میان با زیرمجموعه‌های بسیار گسترده‌ای چون معاونت‌های فرهنگی، هنری و امور مطبوعاتی، سازمان سینمایی، اداره‌های کل ارشاد استان‌ها، اداره‌های فرهنگ و ارشاد شهرستان‌ها، صنوف فرهنگی و هنری (خانه کتاب، خانه موسیقی، خانه تئاتر و خانه سینما)، بیش از ۱۰۰ هزار هنرمند را زیر پوشش دارد، فقط ۱۵ درصد از بودجه فرهنگی کشور را استفاده می‌کند که رقم بسیار پایین و ناچیزی است.

عکس خبر

رونمایی از جدیدترین دیوارنگاره میدان ولیعصر

ادب و هنر: جدیدترین دیوارنگاره خانه طراحان انقلاب اسلامی با موضوع جوانان و جوانگرایی و با عنوان «نسل روشن» در میدان ولیعصر(عج) جانمایی شد.

این دیوارنگاره توسط خانه طراحان انقلاب اسلامی با شعار «وطن به دست جوانان سرفراز است» طراحی شده است. خانه طراحان انقلاب اسلامی در توضیح این دیوارنگاره و رویکرد آن آورده است: «کشور ما برای بالنده شدن به توان و انرژی جوانان نیاز دارد، جوانانی که تا پای جان برای کشورشان مبارزه کنند و ایران را به قله‌های افتخار برسانند».

گفتنی است خانه طراحان انقلاب اسلامی در گذشته نیز با طرح و نصب دیوارنگاره‌های موضوعی دیگری، نسبت به موضوعات و مسائل روز کشور واکنش نشان داده است.

از جمله این طرح‌ها می‌توان به «همه با هم پیروزیم»، درباره حضور تیم ملی در جام جهانی و «ساده‌زیستی مسئولان» درباره سبک زندگی اشرافی برخی مسئولان اشاره کرد.

بازتاب

در نشست نقد و بررسی «عمارت چوبی» مطرح شد

خودکم‌بینی، علت رمان نویسی بی آدرس

ایبنا: گپ و گفت «شهر و داستان» با موضوع خوانش قصه‌های شهری و معرفی کتاب، در محل فرهنگسرای ترافیک مشهد و با حضور سعید تشکری، نویسنده (به عنوان دبیر علمی نشست) و زهرا شعفی، نویسنده کتاب «عمارت چوبی» برگزار شد.

در این جلسه که با حضور و استقبال نویسندگان مشهدی روبه‌رو شد، مسائلی همچون قصه‌های شهری، لزوم به کارگیری آدرس در داستان‌ها و از بین رفتن دغدغه نویسندگان برای نوشتن داستان‌های قدیمی و کهن شهرها مطرح شد و نویسندگان، تجارب خود را در این زمینه‌ها با یکدیگر به اشتراک گذاشتند.

تشکری، دبیر نشست، در پاسخ به این سؤال که ادبیات شهری یک تکنیک است یا یک موضوع مرتبط با فرایند داستان، اظهار کرد: شهر یعنی تمدن و ما وقتی به شهر می‌پردازیم، به تمدن آن می‌رسیم و آدرس دادن در داستان‌ها نیز یعنی جغرافیا دادن به داستان‌ها و پرداختن به تمدن. اما سؤال اصلی این است که آیا حذف آدرس ما را به سمت ادبیات کامل می‌برد یا شگفت‌زده می‌کند و آیا این خوب است یا بد؟

داستان نویسی با خواندن آغاز می‌شود

تشکری با تأکید بر اهمیت کتاب خواندن برای شروع نویسندگی، تصریح کرد: با توجه به فرایند فرهنگی که اکنون وجود دارد، شهر در داستان‌ها به یک اتفاق تبدیل نشده است و دغدغه‌ای برای نوشتن داستان‌های شهری وجود ندارد و حتی در ۱۰۰ سال اخیر هم این دغدغه وجود نداشته است.

وی با اشاره به تنها بودن شخصیت‌ها در داستان «عمارت چوبی» افزود: اندوه و مقام تنهایی عارفانه در داستان‌ها فراگیر شده‌اند اما اینکه تنهایی چیست و چرا خواندن این داستان‌ها به ما احساس تنهایی و ناراحتی می‌دهد، سؤالی است که نیاز به بررسی دارد.

تعداد نویسندگان شهری‌نویس بسیار کم است

وی ادامه داد: موقعیت انسان در شهر تراژدی است و آدم‌های شهری در بند یکسری مشکلات هستند که باید این مشکلات دیده شود.

همچنین زهرا شعفی، نویسنده کتاب «عمارت چوبی» در پاسخ به سؤال دبیر نشست مبنی بر تبدیل شدن گمگشتگی ما در شهر به معضلی در ادبیات، یادآور شد: خودکم‌بینی باعث شده است که ما از آدرس دادن و مشخص کردن موقعیت‌های مکانی در داستان‌ها اجتناب کنیم و نسبت به مطرح کردن جزئیات احساس نیاز نکنیم. زهرا شعفی، نویسنده کتاب «عمارت چوبی» در خصوص شروع فعالیت خود در زمینه داستان نویسی، گفت: من از سال‌های دبیرستان نوشتن را پیگیری می‌کردم اما وقفه‌ای ۲۰ ساله در شروع دوباره داستان نویسی افتاد تا اینکه سال ۹۰ و در ۴۲ سالگی احساس کردم که باید داستان نویسی را دوباره جدی بگیرم.

وی افزود: در سال ۹۱ یک مجموعه داستان کوتاه نوشتم و رمان «عمارت چوبی» را در سال ۹۶ تمام کردم و اکنون هم در حال نوشتن رمان «در جست‌وجوی تو» هستم که حوالی اتفاقات سال ۵۷ و انقلاب اسلامی می‌گذرد.

عمارت چوبی برگرفته از مسجد چوبی در نیشابور

شعفی ادامه داد: چند سال قبل که به مسجد چوبی در نیشابور رفته بودم، خانواده‌ای را در آنجا دیدم که در خانه‌ای چوبی در آنجا زندگی می‌کردند و برای من تداعی‌گر یک قصر چوبی بود، این قصر چوبی را به تهران بردم، در باغی در زعفرانیه قرار دادم و قصه چند نسل را در قالب داستان روایت کردم.

وی در خصوص غفلت از نوشتن داستان‌های کهن شهر مشهد، افزود: متأسفانه نوشتن داستان‌های قدیمی، قصه‌های محلی و شخصیت‌ها و حوادثی که نشان دهنده فرهنگ ما بوده است، پاشیده شده اما ما دلمان می‌خواهد مشهد قدیم با قصه‌هایش ماندگار بماند.

ادبیات

کتاب «پیمانه و دانه» رونمایی شد

مهر: کتاب «پیمانه و دانه» با حضور جمعی از اساتید ادبیات فارسی در باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران رونمایی شد. مراسم رونمایی کتاب «پیمانه و دانه، شرح همه داستان‌های مثنوی معنوی به نثر روان امروزی» با حضور اساتید زبان و ادبیات فارسی، هنرمندان، ناشران، استاد اسرافیل شیرچی، جمع کثیری از علاقه‌مندان و اجرای استاد سهیل محمودی در دانشگاه تهران برگزار شد. در ابتدای برنامه مهدی سجودی مقدم، مدیر انتشارات مهراندیش و ویراستار کتاب، ضمن خیرمقدم به میهمانان، گزارش مختصری از چگونگی ویراستاری و آماده‌سازی کتاب ارائه داد و شعری را که به مناسبت رونمایی کتاب و بیان اثر شریف حضرت مولانا سروده بود، قرائت نمود. پیام تصویری مهدی سیاح‌زاده، نویسنده کتاب، بخش بعدی برنامه بود که طی آن توضیحاتی در خصوص کتاب و مصداق پیمانه و دانه در «مثنوی معنوی»، زبان استفاده‌شده در کتاب و نقش قصه در انتقال معانی والای معرفت انسانی در کلام مولانا ارائه شد.

داستان

آغاز «نشست‌های تخصصی داستان» در قم

فارس: مهدی فیروزجانی دبیر نشست‌های تخصصی داستان مرکز فرهنگی هنری دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم درباره این نشست‌ها اظهار داشت: هر نشست با یک موضوع خاص و مهم از عناصر داستان و یا موضوعاتی که در داستان مهم تلقی می‌شوند برپا خواهد شد. فیروزجانی تصریح کرد: این نشست‌ها به شکل تخصصی است، از این رو هر نشست در هر بخش با حضور یکی از اساتید مطرح آن عرصه که صاحب اثر هم هستند برگزار می‌شود. در حال حاضر مراحل ثبت‌نام انجام می‌شود.

وی خاطرنشان کرد: ثبت‌نام در این دوره‌ها برای طلاب و خانواده طلاب به صورت رایگان خواهد بود، نشست‌های تخصصی یک روزه بوده و نحوه برپایی طی یک روز بستگی به طرح و ارائه اساتید آن بخش دارد. ۹ استاد در بخش‌های مختلف در این دوره همکاری می‌کنند. گفتنی است، در این دوره‌ها اساتیدی چون: محمدرضا سرشار، احمد شاکری، محمدرضا شرفی خبوشان، اکبر دیزگاه، مجید قیصری و... حضور دارند.

گفت‌وگو با تهیه کننده سریال «بانوی عمارت»؛ راوی قصه‌ای عاشقانه در دوره قاجار

کم خرج و قصه گو

سیما و سینما/ زهره کهندل | سریال «بانوی عمارت» که این شب‌ها از شبکه سه سیما پخش می‌شود و مخاطبان زیادی را پای تلویزیون نشانده است، عاشقانه‌ای را در مقطعی از تاریخ قاجار روایت می‌کند که در شهرهای تهران، کاشان و قزوین تصویربرداری شده است. سریال، ملودرامی عاشقانه است که وجه سرگرم‌کننده آن بر غنای تاریخی‌اش می‌چربد. برخی از شخصیت‌های تاریخی در این سریال، ما به ازای بیرونی دارند، اما برخی شخصیت‌ها هم ساخته و پرداخته فیلمنامه نویس است. در این سریال، مهم‌ترین اتفاق تاریخی دوران قاجار یعنی ترور ناصرالدین شاه توسط میرزا رضای کرمانی یا چند اتفاق تاریخی دیگر هم نمایش داده می‌شود، اما همه این وقایع در خدمت درام و کارکرد دراماتیک قصه است. در واقع سریال بانوی عمارت از رویدادهای تاریخی، استفاده دراماتیک و نمایشی برای پیشبرد قصه می‌کند و این موضوع صدای برخی از منتقدان را در آورده که چرا بار تاریخی سریال کم است. در این باره و مسائلی دیگر با مجید مولایی، تهیه کننده سریال «بانوی عمارت» گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید:

◆ با توجه به اینکه سریال به قسمت‌های پایانی نزدیک می‌شود، آیا فصل دومی هم خواهد داشت، چون نویسنده اثر گفته بود که قرار بوده سریال بانوی عمارت در دو فصل ساخته شود؟

از ابتدا بنا بود که در دوفصل ساخته شود، ولی درباره ساخت فصل دوم سریال باید بررسی شود. بخش مهمی از تصمیم برای ساخت فصل دوم به این بر می‌گردد که ارتباط با مخاطب در فصل اول سریال چگونه است. مهم‌ترین عامل ساخت فصل دوم هم این است قصه در فصل بعدی هم به جذابیت فصل اول باشد، اگر این اتفاق بیفتد، فصل دوم را خواهیم ساخت.

◆ پس هنوز فصل دوم کار کلید نخورده است؟

یک طرح کلی آماده دارد و باید بررسی شود که فیلمنامه‌اش چقدر زمان می‌برد؛ چون نگارش فیلمنامه فصل اول، یک سال تا یک سال و نیم زمان برد. اگر بتوانیم به قصه مورد نظر برسیم، فصل دوم را کلید خواهیم زد.

◆ اینکه بار دراماتیک قصه بر غنای تاریخی آن بچربد، تعمدی بود؟

بله از همان اول قرار بر تاریخ نگاری نداشتیم، بلکه دغدغه ما قصه پردازی است. بنا بود که قصه بگوییم و وقایع تاریخی را در بافت دراماتیک قصه استفاده می‌کنیم، اصلاً نیت تاریخ گویی نداشتیم.

◆ این سبب نمی‌شد که وزانت و غنای کار کم شود، به طوری که این برچسب را به سریال زدند و آن را شبیه به سریال حریم سلطان خواندند؟

بیشتر سریال‌های تاریخی تلویزیون به گونه‌ای ساخته شده که وجه تاریخی و سیاسی به قصه فیلم می‌چربید و در ضمیر ناخودآگاه مخاطب این ذهنیت ایجاد شده بود که در سریال‌های تاریخی حتماً باید مفاهیم سیاسی و تاریخی بر وجه قصه‌گوی ماجرا، ارجحیت داشته باشد. به نظرم قصه به خودی خود باید آن قدر جذابیت داشته باشد که مخاطب برای تماشای آن وقت بگذارد. سپس در دل قصه به مناسبات و اتفاقات تاریخی هم می‌پردازیم. در مرحله اول وقتی مخاطب پای تلویزیون می‌نشیند، توقع دارد که یک سریال جذاب ببیند، اصلاً هم نگران این حرف‌ها که شبیه فلان سریال شده، نیستیم. عده‌ای حتی در مورد شباهتش به سریال شهرزاد می‌گفتند: در حالی که این سریال شبکه خانگی هم قصه جذابی داشت و مخاطب را برای تماشایش ترغیب می‌کرد.

◆ این سؤال را به این دلیل پرسیدم که بانوی عمارت در دوره تاریخی قاجار روایت می‌شود و بازنما و بازسازی دکور آن دوران، ارزان قیمت نیست. اگر بنا باشد که ارجاعات تاریخی اثر کم باشد، چرا همین قصه در دوران معاصر روایت نشود که ارزان قیمت‌تر هم تمام شود، در واقع اهمیت موقعیت مکانی و زمانی قصه چقدر در سریال نمود داشته است؟

اولاً برآورد مالی این سریال، درصد بسیار کمی از هزینه ساخت سریال‌های آپارتمانی، بیشتر بوده است. از ابتدا بودجه را بشدت مدیریت کردیم و با هزینه کمی سریال را ساختیم. از سوی دیگر وقتی سریال جذاب باشد، میزان آگهی بیشتری می‌گیرد و گاهی در دو سه قسمت اول، کل بودجه آن تأمین می‌شود. یکی از اشکالاتی که در مدیریت این سال‌ها در سازمان صدا و سیما وجود داشته، این بوده که به وجه سرگرمی رسانه، بهای کمی داده شده است. وظیفه اولیه رسانه‌ها و صدا و سیما، سرگرم کردن مخاطب است. یکی از دلایلی که مخاطبان تلویزیون ریزش پیدا کردند به دلیل کم توجهی به وجه سرگرمی برنامه‌های صدا و سیما بوده است.

برش

> در منابع ادبی خودمان، وجه قصه‌گویی را داریم مثلا در هزار و یک شب، ساختار قصه، جذاب و درست است و بسیار هوشمندانه نوشته شده است. ما در طراحی سریال بانوی عمارت، سعی کردیم از خرده روایت‌ها استفاده کنیم، یک قصه مرتبط با خط اصلی ماجرا تعریف می‌شد و هنوز تمام نشده، قصه بعدی را شروع می‌کردیم

یک سریال باید سرگرم کننده و قصه‌گو باشد و در دل خود، به مضامین مورد هدفش بپردازد. البته در صورت ساخت فصل دوم چون به حوادث بعد از انقلاب مشروطه خواهیم پرداخت، به وجه سیاسی و اتفاقات تاریخی، توجه بیشتری خواهیم داشت.

◆ شما سراغ دوره‌ای از تاریخ رفتید که شاید در بازسازی صحنه و دکور یا گریم و لباس، دست مخاطبان را برای سوتی گرفتن بازتر کرده‌اید، مثلاً ایرادهایی در مورد گریم کار وجود داشت که هیبت یک زن قاجاری، این طور نیست. تیم تولید در بازسازی دکور و گریم شخصیت ها، به این نکات توجه داشت؟

ببینید ما داریم کار نمایشی و داستانی می‌کنیم. ساخت اثر نمایشی، اقتضائات خاص خودش را دارد. توقع و انتظار مخاطب از دیدن یک فیلم و سریال، این است که اثری نمایشی ببیند. درباره عکس‌های زنان قاجار هم بحث زیاد است، اساساً همه زنان دوران قاجار چنین شکل و هیبتی نداشتند. ضمن اینکه ما فیلم مستند نمی‌سازیم، داریم سریال داستانی می‌سازیم که بخشی از کار نمایشی، نگاه زیبایی شناسانه به ماجراست. وقتی قرار است لباسی طراحی شود یا بازیگری انتخاب شود، این وجه زیباشناسانه باید مد نظر قرار گیرد. یکی از عناصر مهمی که در تولید سریال باید به آن توجه داشته باشیم، وضعیت مخاطب امروز ماست. سطح شعور، فهم، درک و نگاه زیباشناسانه مخاطب امروز مد نظر ماست. ما برای مخاطبی سریال می‌سازیم که سلیقه دارد و قرار است یک سریال ببیند. در نوع ادبیات هم نمی‌توان با قاطعیت گفت که ادبیات گفتاری شخصیت‌های سریال، ادبیات مرسوم در دوران قاجار است؛ چون منبع موثقی (به جز منابع مکتوب) از طرز بیان آن دوران نداریم. ما داریم با نگاه امروز به ۲۰۰ سال پیش رجعت می‌کنیم. همچنان که وقتی مرحوم علی حاتمی به قاجار نگاه می‌کند، از ذهنیت خودش فیلم می‌سازد و گرنه در سکانسی که مهد اولیا با دخترش صحبت می‌کند، نوع ادبیات را ببینید، این نگاه مرحوم علی حاتمی است که بنا دارد نگاه شاعرانه و غزل گونه به این مراوده داشته باشد و قطعاً این عین واقعیت نیست. وجه نمایشی کار براساس سلیقه فیلمسازان با هم تفاوت دارد.

◆ صدا و سیما در چند سال اخیر در حوزه سریال سازی می‌لنگید و کفگیر بودجه‌اش به ته دیگ خورده بود، اما سریال بانوی عمارت با وجود انتقاداتی که به آن وارد بود، مخاطبان زیادی را پای تلویزیون نشاند. دلیل موفقیت این سریال را در جذب مخاطب، چه می‌دانید؟

به نظرم مهم‌ترین دلیل موفقیت این سریال، قصه‌گویی است. اهمیتی که ما به قصه دادیم. مخاطب با قصه‌های فراوانی در سریال مواجه می‌شود که تعلیق‌ها و گره گشایی‌های زیادی دارد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که سبب شد مخاطب با این سریال ارتباط بگیرد، اهمیتی است که به قصه‌گویی دادیم، اگرچه تیم تولید هم بسیار خوب بودند و سعی کردیم که طراحی صحنه استانداردهای یک سریال تلویزیونی را داشته باشد. در سال‌های اخیر یکی از اشکالات تلویزیون این بوده که به قصه‌گویی و نویسندگی فیلمنامه، اهمیت کمتری داده و در تولید انبوهش به این وجه کم توجه بوده است، به همین دلیل مخاطبان آن ریزش پیدا کرده است. امروز باید سطح سلیقه و فهم مخاطب را دید و برنامه‌سازان باید به این شعور مخاطبان احترام بگذارند، متأسفانه برخی از آثار نمایشی به شعور مخاطب احترام نمی‌گذارد. گاهی در همان قسمت‌های اولیه سریال، مخاطب تا ته قصه را می‌خواند این یعنی اهانت به شعور مخاطب. امروز مخاطب حق انتخاب بالایی دارد از برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای گرفته تا سریال‌های شبکه خانگی و سریال‌های خارجی.

◆ جالب اینکه، در سریال‌های تاریخی کره‌ای که پخش آن در یک دهه گذشته در تلویزیون باب شده است، به دلیل پررنگ بودن قصه و خرده روایت‌ها در این سریال‌ها، آمار بینندگان کمی ندارد، در حالی که بسیاری از سریال‌های ایرانی، بی‌توجه به وجه قصه‌گویی بودند و گاهی ماجرا آن قدر کند پیش می‌رفت که مخاطب را کلافه می‌کرد، تعمد شما در قصه‌گو بودن سریال بانوی عمارت برای جذب مخاطب بیشتر بوده است؟

همین طور است. ما در منابع ادبی خودمان، وجه قصه‌گویی را داریم مثلاً در هزار و یک شب، ساختار قصه، جذاب و درست است و بسیار هوشمندانه نوشته شده است. ما در طراحی سریال بانوی عمارت، سعی کردیم از خرده روایت‌ها استفاده کنیم، یک قصه مرتبط با خط اصلی ماجرا تعریف می‌شد و هنوز تمام نشده، قصه بعدی را شروع می‌کردیم. ما در منابع کهن خودمان، اصول قصه‌گویی را داشتیم، ولی در سال‌های اخیر، تلویزیون به این بخش از وجه آثار نمایشی اهمیت نداده است. نویسندگان اهمیت زیادی به قصه در آثارشان نداده‌اند. امیدوارم استقبال از سریال بانوی عمارت، نشان دهد که قصه‌گویی فاکتور مهمی برای جذب مخاطب است.

به مرور که سریال‌هایی از این دست تولید شود، تماشاچی می‌تواند سریالی سرگرم‌کننده را با داشتن مضامین و مفاهیم تاریخی ببیند. ضمن اینکه، مناسبات فرهنگی ایرانیان در دوران قاجار در این سریال مشهود است، از روابط خانوادگی گرفته تا میزان حضور زنان در اجتماع. در این سریال نشان دادیم که یک زن ایرانی چطور مثل کوه پشت شوهرش می‌ایستد. این‌ها در زیرلایه‌های داستان تعریف می‌شود.

دختر جوان امروزی که می‌خواهد ازدواج کند وقتی می‌بیند که فخرالزمان با چه قدرتی در ناملایمات و مشکلات پشت شوهرش ایستاده، این‌ها در ضمیر ناخودآگاهش راه پیدا می‌کند.

حاشیه

عزیزالله حمید نژاد، کارگردان «بانوی عمارت» از مصائب سریال سازی در تلویزیون می‌گوید

سریال فرهنگی با بخشنامه ساخته نمی‌شود

فیلمسازی کاری سخت، حرفه‌ای و طاقت فرساست و اگر بخواهیم اصول این کار حرفه‌ای را رعایت کنیم، باید امر «تولید» از طرف تلویزیون و عوامل جدی گرفته شود. متأسفانه در چند سال اخیر تلویزیون چندان فیلمسازی را جدی نگرفته و فقط پر کردن آنتن برایش مهم بوده است. تلویزیون زمانی موفق می‌شود که به نظر مخاطب اهمیت بدهد یعنی آثاری بسازد که مخاطب علاقه داشته باشد آن‌ها را ببیند. با توجه به رقابتی که اکنون بین شبکه‌های مختلف جهانی وجود دارد، تلویزیون زمانی می‌تواند موفق باشد که تمام فاکتورهای لازم را برای ساخت در نظر بگیرد. ما باید بدانیم تنها ما نیستیم که فیلم و سریال می‌سازیم، ترکیه و دیگر کشورهای اروپایی هم می‌سازند و مخاطب آزاد است تا انتخاب کند که آیا دوست دارد از صدا و سیمای ما سریال را ببیند و یا در شبکه‌های خارجی آثار مورد علاقه‌اش را دنبال کند. ما دیگر در فیلمسازی تنها نیستیم و نمی‌توانیم مخاطب را وادار کنیم که آثار ما را نگاه کند پس باید فیلمسازی در تلویزیون و حتی سینما را جدی بگیریم و بدانیم که رقبایی بسیار هوشمند و حرفه‌ای داریم. فرهنگ ما روز به روز غربی‌تر می‌شود و اکنون ضرب المثل‌ها و کنایه‌ها و مفاهیمی که در ادبیات شفاهی و فرهنگ خود داشته‌ایم، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضرب‌المثل‌هایی که افسرالملوک به کار می‌برد، امروز کمتر به کار می‌روند پس باید این مسائل در سریال‌ها مطرح شوند تا حداقل بدانیم که یک پیشینه فرهنگی داشته‌ایم.

برای ساخت سریال‌هایی که ابعاد فرهنگی دارند، نمی‌شود بخشنامه صادر کرد، بلکه باید انگیزه‌های لازم را در هنرمندان به وجود بیاورند. مدیران همیشه می‌گویند که به مسائل فرهنگی فکر می‌کنند و به نوعی این موضوع برای آن‌ها یک مسئله است، اما در عمل چیز دیگری می‌بینیم. زمانی می‌توانیم، بگوییم مدیران دغدغه فرهنگی دارند که از نویسندگان و کارگردانان حمایت شود؛ یعنی در هنرمندان انگیزه تولید کار ایجاد کنند. نویسندگان باید این موضوع را لمس کنند که مدیران فرق میان آثار بد و خوب را تشخیص می‌دهند. اگر عوامل احساس کنند که مدیران تفاوتی میان آثار خوب و بد قائل نمی‌شوند به نوعی انگیزه خود را هم از دست می‌دهند و فقط به فکر درآمد خود از ساخت سریال هستند. شرایط امروزه به گونه‌ای شده است که صدا و سیما تهیه کننده را به عنوان یک پیمانکار می‌شناسد و به آن‌ها می‌گوید که با بودجه‌ای مشخص فلان سریال را بسازند و چندان اهمیتی به کیفیت آن نمی‌دهند. صدا و سیما نباید به تهیه‌کنندگان به عنوان یک پیمانکار نگاه کند، چون کسی که پیمانکار شود وظیفه دارد که سود بیشتری کسب کند. این روزها اگر سریالی هم ساخته می‌شود که مخاطب آن را دوست دارد، به دلیل انگیزه‌های شخصی کارگردانان و نویسندگان آن است و کمتر به سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مربوط می‌شود.

نگاهی به عوامل موفقیت سریال «بانوی عمارت»

وقتی کار دست کاردان است

سیما و سینما: سریال بانوی عمارت به کارگردانی عزیزالله حمیدنژاد مجموعه‌ای سی و سه قسمتی بود که شب گذشته به پایان رسید.

این سریال که در ابتدای پخش با حواشی مواجه شد، اما در ادامه توانست به کمک فضاسازی چشم نواز و داستانی پر از اتفاقات و ماجراهای غافلگیرکننده مخاطبان را پای تلویزیون بکشاند و کم کم به یکی از موفق‌ترین سریال‌های این چند ساله تلویزیون از لحاظ ساخت و همچنین جذب مخاطب برسد. در ادامه نگاهی به ویژگی‌های خوب این سریال خواهیم داشت: به نظر بسیاری از کارشناسان یکی از مهم‌ترین دلایل جذابیت سریال «بانوی عمارت» فیلمنامه آن است. «احسان جوانمرد» نویسنده این سریال به سراغ مقطعی جذاب از تاریخ ایران رفته و با چاشنی چند داستان عاشقانه و مسائل و مصائب ناشی از آن‌ها به این جذابیت افزوده است. داستان او با ریتمی مناسب جلو رفته و مخاطب را با خود همراه می‌کند و همچنین با استفاده از عنصر تعلیق، مخاطب را با خود همراه کرده و هر چند قسمت یک بارهم غافلگیری ویژه‌ای برای مخاطب دارد.

بازیگران غیر کلیشه‌ای

انتخاب مناسب بازیگران یکی دیگر از ویژگی‌های این سریال است. بازیگران این سریال هر چند در قسمت‌های اول مورد نقد قرار گرفتند و حتی بعضی از منتقدان به انتخاب بازیگر شخصیت شازده خورده وارد کردند، اما در ادامه توانایی‌های خود را نشان داده و مورد توجه قرار گرفتند. خودداری از انتخاب بازیگران کلیشه‌ای و استفاده از هنرپیشه‌های متناسب با شخصیت‌ها و معرفی چهره‌های جدید از نقاط قوت این مجموعه است، در کنار آن استفاده از بازیگران با تجربه‌ای چون پانته‌آ پناهی‌ها (افسر الملوک)، رامتین خداپناهی (میرزا اسد)، علیرضا شجاع نوری (طبیب‌الاطباء)، شبنم فرشادجو (مهرالنساء) در کنار معرفی چهره جدیدی چون مریم مؤمن (فخرالزمان) و حسام منظور (ارسلان میرزا)، نیکی نصیریان (آهو) ترکیبی مناسب را ساخته است. همچنین صالح میرزاآقایی (جهانبخش میرزا)، مینا وحید (جواهر) شخصیت‌های منفی سریال بخوبی به ایفای نقش پرداخته‌اند.

قصه ای جذاب

وجود شخصیت‌های مثبت (میرزا اسد و همسرش، مهرالنسا و...) و منفی (مانند یاور شریفی، گودرز، جواهر و...) در قصه تنوع جذابی از مصاف مداوم خیر و شر به وجود آورده است. ویژگی بعدی بانوی عمارت به تصویر کشیدن زنانی است که نه تنها منفعل نیستند، بلکه در پیشبرد اثر نقش پررنگی داشته و تعیین کننده هستند. هر چند بعضی از منتقدین به این ویژگی ایراد وارد کرده و عنوان کردند که این زنان قدرتمند نماینده زنان آن دوره نیستند، اما عزیزالله حمیدنژاد کارگردان اثر معتقد است که «زنان متمول در دوره قاجار برخلاف زنانی از طبقه متوسط و ضعیف دارای شخصیت و قدرت خاص خودشان بودند. در این سریال هم اکثر زنان که از طبقه مرفه هستند چندان منفعل نیستند. نگاه من این بود که نشان دهم زنان می‌توانند تأثیرگذار باشند، اقتدار داشته باشند و با حفظ این اقتدار مدیر و مدبر باشند و برابر مردان قدرتمندی مثل ارسلان میرزا، جهانبخش و میرزا اسد و طبیب، حرفی برای گفتن داشته باشند و یا دختری مثل آهو وقتی در فضای بازتری قرار می‌گیرد، به آرزوهای بزرگ‌تر فکر کند و استعدادهایش شکوفا شود.»

کارگردانی خوش سلیقه

فیلمبرداری، صدا، طراحی صحنه و لباس در حد استاندارد و قابل قبولی است و لوکیشن‌های (محل‌های) انتخاب شده برای فیلمبرداری هم در راستای زمان تاریخی سریال باورپذیر و چشمنواز است. موسیقی متن سریال ساخته «فردین خلعتبری» است که این بخش با کلیت فضا، داستان و دیگر اجزا همخوان است. حضور محسن چاوشی به عنوان خواننده تیتراژ سریال هم یکی دیگر از ویژگی‌های این بخش است.

جمع شدن همه این اتفاقات در کنار هم در یک سریال قطعاً نتیجه سلیقه و دانش کارگردان آن است، عزیزالله حمیدنژاد کارگردان با سابقه‌ای است که در کارنامه فیلمسازی او فیلم موفقی چون «اشک سرما» دیده می‌شود. به گفته طهماسب صلح‌جو «آنچه که در سریال‌ها می‌بینیم به هر حال محصول کار کارگردان است. گرچه داستان و فیلمنامه را کسی دیگر نوشته است، اما فقط داستان نیست؛ بلکه به نمایش درآوردن آن داستان، کار کارگردان است که به نظرم بد عمل نکردند و کارشان را در حدی که تماشاگر را درگیر ماجراهای سریال کنند، درست انجام دادند و موفق عمل کرده‌اند؛ بنابراین در جذب مخاطب موفق عمل کرده‌اند. ضمن اینکه، کارگردانی سریالی مثل «بانوی عمارت» با آن دکور، صحنه، لباس و گریم، کار سخت تری به نسبت سریال «بیقرار» است که درام خانوادگی اجتماعی است.» موفقیت این سریال نشانگر این مهم است که هرگاه کار به دست کاردان سپرده شود محصول تولید شده قابل توجه و دارای شأن و شخصیتی خواهد بود که صدا و سیما به آن ببالد.

خبر

«لحظه گرگ و میش» روی آنتن شبکه سه

تسنیم: سریال «لحظه گرگ و میش» ساخته همایون اسعدیان در ۵۰ قسمت آماده نمایش شده است و با پایان پخش سریال «بانوی عمارت» که شب گذشته، آخرین قسمت آن پخش شد به روی آنتن شبکه سه سیما خواهد رفت. مجموعه تلویزیونی «لحظه گرگ و میش» روایت فراز و فرود زندگی خانواده‌های اصیل در طول سه دهه با محوریت زندگی تنها دختر این خانواده است؛ روایتی که از دهه ۶۰ آغاز شده، حوادث مختلفی از قبیل جنگ، تحولات اجتماعی و اقتصادی را پشت سر گذاشته و در زمان معاصر پایان می‌پذیرد. فاطمه گودرزی، فرید سجادی حسینی، شهره سلطانی، علیرضا کمالی‌نژاد، المیرا دهقانی، حسام محمودی فرید، کریم قربانی، سیامک احصایی، وحید آقاپور، ناصر سجادی حسینی، لیلا بلوکات، پانیذ برزعلی، نیما نادری، مدیا ذاکری، پاشا رستمی، رها خدایاری، مهرنوش مسعودیان، اروین گالستیان، آیدا نامجو و مهدی ملاک از جمله بازیگرانی هستند که در این مجموعه به ایفای نقش می‌پردازند.

آخرین ساخته علی صدری نیا

زوایای پشت جنگ سوریه در «تهران دمشق»

سیما و سینما: کارگردان مستند «تهران دمشق» گفت: این مستند بیشتر به زوایای پشت جنگ سوریه می‌پردازد و نگاه کاملاً متفاوتی را در این جنگ مهم که تأثیرگذاری تاریخی داشته است، از لنز دوربین نشان می‌دهد. علی صدری‌نیا، مجری و مستندساز تلویزیون که امسال با مستند «تهران دمشق» در جشنواره عمار حضور دارد، گفت: فیلمبرداری این مستند، تیر ماه سال گذشته در سوریه آغاز شد که بخش هایی از آن در تهران و امسال ضبط شد. این مستند سعی دارد یک نگاه متفاوتی را درباره آنچه در جنگ سوریه اتفاق افتاد را روایت کند. وی ادامه داد: شاید ما در سال‌های اخیر مستند و فیلم‌های زیادی درباره سوریه و محور مقاومت دیده باشیم، اما «تهران دمشق» دریچه جدیدی از روایت اجتماعی درباره این جنگ است. درواقع هر کسی که فقط بر سر علاقه به ایران با ما اشتراکاتی داشته باشد می‌تواند این مستند را ببیند. صدری‌نیا افزود: جشنواره عمار توانسته باعث انگیزه برای جذب جوانان فیلمسازی شود که تا امروز فضایی برای دیده شدن نداشتند. وی درباره استعدادهایی که در این جشنواره شرکت می‌کنند و موفق نیز خواهند بود، گفت: جشنواره عمار در بسیاری از موارد زمینه‌ساز دلگرمی و انگیزه برای فیلمسازان است تا امروز مسیر آن‌ها هموارتر شود و محرکی قوی برای ادامه راه آن‌ها در زمینه کاریشان شود.

اکبر نبوی:

سینما برای فردای ما مانند اکسیژن است

مهر: نشست «سینما تنها نیست» با سخنرانی اکبر نبوی منتقد سینما در حاشیه نهمین جشنواره فیلم «عمار» در سینما فلسطین برگزار شد.

نبوی در این نشست با بیان اینکه سینما برای امروز و فردای ما مانند آب و اکسیژن است و این هنر صنعت در بسیاری از امور نقش جدی دارد، گفت: همه مدعی سینما هستیم، ولی نگاه نمی‌کنیم که برای سینما چه می‌کنیم. اگر هالیوود به اینجا رسیده به دلیل این است که به این نتیجه رسیده‌اند که سینما به همه آن‌ها ربط دارد به طوری که پنتاگون و سی.ای.ای هر سال فیلم‌های بزرگی را تولید می‌کنند. آنها معتقدند سینما به همه ربط دارد پس برای آن هزینه می‌کنند و آمریکا از طریق سینما به بسیاری از اهداف خود می‌رسد در حالی که در کشور ما این طور نیست و مدام از سینما طلب می‌کنیم. وی افزود: در حال حاضر با وضعیت بلبشویی در فرهنگ و هنر مواجه هستیم. سینما نیاز به مراقبت دارد و باید یک اراده جمعی به وجود بیاید، از همین رو باید تصورات و تعریف‌های خودمان را از سینما درست کنیم چون تعریف‌های ما از سینما اشتباه است و با این وضعیت تا صد سال دیگر هم سینما به همین منوال خواهد بود. این منتقد عنوان کرد: رهبری گفته‌اند سینما کلید حل بسیاری از مسائل کشور است، ولی این جمله در باور امامان جمعه، اهالی سازمان برنامه و بودجه و بسیاری دیگر از افراد وجود ندارد. حتی خانواده سینما درک این را ندارد که مهم‌ترین نقطه از جهت تأثیر هستند. وی با اشاره به اینکه جامعه‌شناسان هم با سینما نسبتی ندارند، گفت: کمتر جامعه‌شناسی را می‌بینید که دغدغه تماشای فیلم داشته باشند. از سوی دیگر علما و فلاسفه ما هم چنین دغدغه‌ای ندارند و اهل ادبیات، تاریخ و... ما هم با سینما نسبتی ندارند.

احمدجو انتقاد کرد؛

بازگشت سیاه بازی‌های لاله زاری در فیلم‌های کمدی مبتذل

سینما پرس: امرالله احمدجو کارگردان سینما و تلویزیون با انتقاد از ترویج ابتذال در سینمای کشور گفت: متأسفانه ما با انبوهی از فیلم‌های نازل، یخ زده، ضدفرهنگ و بی‌محتوایی روبه‌رو هستیم که دلیل اصلی تولید آن‌ها مشخص نیست و مرتباً از خودمان سؤال می‌کنیم آثاری که جز بار منفی هیچ اتفاق دیگری را در جامعه و حوزه فرهنگی و هنری کشور ایجاد نمی‌کنند، چرا باید تولید شوند؟

کارگردان فیلم سینمایی «شاخه‌های بید» یادآور شد: به خاطر دارم در تئاترهای لاله‌زاری، وقتی می‌دیدند تماشاچیان خسته شده‌اند و خمیازه می‌کشند بازیگران به دستور کارگردان کارهای زننده‌ای انجام می‌دادند تا آن تماشاچیان چُرتشان بپرد و جذب تئاتر شوند! این اتفاق امروزه در سینمای کشور ما رخ داده و به همین علت است که ما با فیلم‌های زننده‌ای مواجه هستیم که سرشار از شوخی‌های رکیک و امثالهم هستند.

وی اظهار داشت: درهای سینما به روی هر کسی که دارای سرمایه است باز شده؛ آن‌ها آمده‌اند و در این سینما برای کسب درآمد هرکاری را که مایل هستند انجام می‌دهند و متأسفانه دیگر از تهیه کنندگان کهنه‌کار، باسواد، خردمند و پیشکسوت که سینما را خوب می‌شناختند چندان خبری نیست، اغلب آن‌ها یا دار فانی را وداع گفته‌اند، یا بیکار و خانه نشین شده‌اند و یا دیگر اجازه کار و فعالیت ندارند. وی یادآور شد: آنچه امروز در کشورمان به اسم سینمای کمدی می‌بینیم هیچ کدام از خصلت‌ها و خصیصه‌های ژانر کمدی را ندارند و ژانر جدیدی است که می‌توان نام آن را ژانر لودگی و یا ابتذال گذاشت.

قدس زندگی
روزنامه صبح ایران
ایستگاه
۱۶ دوشنبه ۱۷ دی ۱۳۹۷
۳۰ ربیع الثانی ۱۴۴۰ | ۷ ژانویه ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۸۷۳

گزارش از شخص

سیندرلای بدبخت!

«فرح دیبا» چگونه شهبانوی حکومت پهلوی شد؟

ایستگاه/ مجید تربت زاده

از در و دیوار شهر، از سوت و کوری کاخ و از سر و صورت همسرش نشانه‌های فروپاشی می‌بارید. کوچه‌ها و خیابان ها ماه‌ها بود که فریاد شده بودند و برای دربار و درباری‌ها، کابوس سقوط را تداعی می‌کردند. خبرها از هر کجا که می‌رسید، امیدوار کننده نبود. مقام‌ها، سفیرها، چاکران خانه‌زاد و ژنرال‌ها هم که می‌آمدند و می‌رفتند، انگار غصه و هراس را با خودشان می‌آوردند و وقت رفتن آن را جا می‌گذاشتند. برای ملکه، غمناک‌تر از همه، چمدان‌های آماده‌ای بودند که خبر از یک فرار و گریزِ ناگزیر می‌دادند. با این همه «شهبانو» انگار هنوز به جایی و چیزی امیدوار بود. امیدوار به ماندن بود، یا حداقل این طور وانمود می‌کرد. برای همین روز ۱۶ دی ماه سال ۱۳۵۷، در حالی که سعی می‌کرد لرزشی در صدایش نباشد به خبرنگاران گفت: «من بعد از عزیمت شاهنشاه در ایران می مانم تا بر شورای سلطنت ریاست کنم... این کار را ولو اینکه منجر به قطعه قطعه شدنم هم شود انجام خواهم داد»! شهبانو آیا داشت برای دلگرمی طرفداران رژیم و ارتشبدهای ریز و درشت، شعار می‌داد یا اینکه نقشه‌ها و آرزوهای دیگری توی سرش بود؟

ممنوع الخروج

سال ۱۳۳۷ از فرانسه به خانواده‌اش در تهران نامه نوشت. نامه حاوی عکس‌هایی از «فرح دیبا» در کنار جوانی بود که در واقع نامزدش به حساب می‌آمد. او در این نامه خواسته بود که خانواده «کریم پاشا بهادری» را ببینند، بپسندند و به ازدواجشان رضایت بدهند. پسر دایی‌اش – رضا قطبی – برایش می‌نویسد: بهتر است به تهران بیایی، ضمن دید و بازدید با اقوام، مادرت را هم راضی کنی. «فرح» ۲۰ ساله، طبق سفارش پسر دایی عمل می‌کند و به تهران می‌آید. راضی کردن مادر و دید و بازدید ۲ ماه طول می‌کشد. روزی که برای کارهای قانونی بازگشت به فرانسه به اداره گذرنامه می‌رود، مأمور مربوطه می‌گوید: «متأسفانه شما نمی‌توانید از ایران خارج شوید... نامتان در فهرست مخالفان اعلیحضرت و رژیم است». حالا حساب کنید دختر ۲۰ ساله ایرانی، درست وقتی دارد به فرانسه بر می‌گردد تا هم به نامزدش و هم آرزوهای دیگرش برسد با شنیدن چنین خبری، چه حالی می‌شود. بدون شک نه تنها «فرح دیبا» که وسط این گرفتاری همه آرزوهایش را بر باد رفته دیده بود، بلکه هیچ‌کدام از اقوام و بستگانش، به خواب نمی‌دیدند که یک سال پس از این ماجرا، دشمن و مخالف سلطنت، یکباره ملکه دربار ایران شود.

تهران – پاریس

«سهراب دیبا و فریده قطبی» سال ۱۳۱۷ صاحب دختر شدند و نامش را «فرح» گذاشتند. سهراب خان که اصالتاً تبریزی بود، در دانشکده افسری سن پترزبورگ درس خوانده، دوره دیده و بعد به کشور برگشته و در ارتش نوین ایران استخدام شده بود. او دخترش را وقتی که ۶ سال داشت به «مدرسه ایتالیایی خواهران روحانی» فرستاد. خودش هم ۳ سال بعد به دلیل ابتلا به سرطان درگذشت. «فرح» از ۱۰ سالگی به مدرسه ژاندارک رفت. درباره دوران دانش‌آموزی‌اش اگر اغراق و داستان‌سازی نکرده باشند، نوشته‌اند که مثل همه همسن و سال‌هایش، پر جنب و جوش و سرزنده بود. دختر یتیم شده خانواده دیبا، غم مرگ پدر را با درس و ورزش انگار فراموش می‌کرد. کاپیتان تیم بسکتبال مدرسه ژاندارک به قهرمانی در رشته تخصصی‌اش قانع نبود و در پرش و دو و میدانی مدال می‌گرفت. او در دوره دبیرستان هم پرجنب و جوش و درسخوان بود. البته نه آن‌قدر درسخوان که نمره هایش بتواند مسئولان آن زمان را برای دادن بورسیه تحصیلی در فرانسه قانع کند. دختر خانواده دیبا اما چون یک بار به عنوان پیشاهنگ به فرانسه سفر کرده بودو تحصیلاتش را هم در دبیرستان فرانسوی‌ها ادامه داده بود، نمی‌توانست قید تحصیل در این کشور را بزند. بنابراین پذیرش مدرسه اختصاصی معماری در پاریس را گرفت و از ایران رفت.

برای تأمین مخارج

هزینه‌های تحصیل در فرانسه سنگین بود. ۱۵۰ تومانی هم که هر ماه از طرف دایی‌اش برای او فرستاده می‌شد کفاف نمی‌کرد. بر اساس گفته‌ها و نوشته‌های هم اتاقی‌اش «ناهید کلهر» ،فرح دیبا مجبور بود برای تأمین مخارجش به عنوان پرستار بچه و خدمتکار کار کند. این البته تنها مشغولیتش نبود. مثل همه دانشجویان آن دوره علاقه به افکار و ایده‌های کمونیستی داشت و جذب فعالان حزب توده هم شده بود. درباره خُلق و خو و منش دانشجوی ایرانی آن روزگار گفته‌اند به دلیل تحصیل در مدارس مسیحی آن زمان، فرح دلبستگی چندانی به فرهنگ کشور و مردم خودش نداشت، به جلوه زندگی غربی عشق می‌ورزید و از حیث سیاسی و اجتماعی بسیار به رژیم پهلوی بدبین بود و حتی او را عروسک امپریالیسم می‌نامید. «ناهید کلهر» درباره او گفته است: «از جمله تفریحات او نوشیدن مفرط چای و شیر و رفتن به شنا بود... در جریان همین رفت و آمد هایش برای شنا با پسری ایرانی به نام کریم پاشا بهادری آشنا شد... بیشتر اوقات فرح با این فرد سپری می‌شد و رابطه عمیقی با یکدیگر داشتند...».

کمی هندی

مقدمه داستان ازدواجش با «محمد رضا پهلوی» همانی است که اول مطلب گفتیم. منتها این اعتراف را هم می‌کنیم که برخی از محققان در نوشتن داستان این ازدواج، کمی تا قسمتی مثل فیلم‌های هندی رفتار کرده و حتی تلاش کرده‌اند ماجرا را مثل قصه سیندرلا پیش ببرند. در هر حال ما هم به دلیل عدم دسترسی به منابع درست و حسابی، این بخش داستان را با همان رنگ و لعاب هندی و سیندرلایی جلو می‌بریم... خلاصه «فرح» ممنوع الخروج می‌شود تا دایی‌اش «محمد علی قطبی» این و آن را ببیند و از آن‌ها بخواهد «اردشیر زاهدی» را واسطه کنند تا دختر جوان بتواند از ایران خارج شود... مدتی بعد با آن‌ها تماس می‌گیرند و به وزارت خارجه دعوتشان می‌کنند... فرح و اقوامش می‌روند در حالی که مثلاً سند خانه را هم با خود برده‌اند تا اگر دانشجوی جوان دستگیر شد آن را وثیقه بگذارند...فرح خوشحال و خندان از ساختمان بیرون می‌آید و می‌گوید بازداشتی در کار نیست... مسئولان امور دانشجویی خیلی خوب برخورد کرده و حتی پیشنهاد کار در سفارت ایران در پاریس را داده‌اند... دو روز بعد هم دوباره او را خواستند و گفتند، آقای زاهدی می‌خواهد شما را ببیند و خلاصه همان ماجرای بخت و اقبال سیندرلایی که به «فرح دیبا» رو می‌کند تا او از مصائب زندگی دانشجویی در پاریس رهایی پیدا کند و بقیه ماجرا...

مأموریت تمام شد

آن‌هایی که مدت‌ها به دنبال همسر سوم برای «محمدرضا» بودند تا سلسله پهلوی بی ولیعهد نماند، برنامه دیدار «فرح» و «محمد رضا» را در یک میهمانی جور کردند. دانشجوی جوان، انگار درس و فرانسه و نامزد در آب نمک خوابانده را بی خیال شد، بله را گفت و ۲۰ آذر سال ۱۳۳۸ همسر شاه و ملکه ایران شد. ۱۰ ماه بعد هم لابد طبق قول و قرار، ولیعهد ناتمام یعنی فرزند اول شان – رضا – به دنیا آمد که در حال حاضر به «ربع پهلوی» معروف است.

شاید از نظر «محمد رضا» مأموریت شهبانو دیگر تمام شده بود. او برای سلطنت ولیعهدزایی کرده بود و از حالا به بعد باید فقط ملکه تشریفاتی می‌بود. سیندرلای دیروز و شهبانوی امروز اما چندان اهل در حاشیه ماندن و فقط بچه به دنیا آوردن نبود. دختر تحصیلکرده و پر جنب و جوش دیروز،خوب فهمیده بود که نمی‌تواند مانند « ثریا» نفوذی در دل و روح شاه ایران داشته باشد و محمد رضا هم قصد ندارد به او اجازه نقش آفرینی در حکومت را بدهد. همین شد که به اعتقاد بسیاری از محققان راه شاه و ملکه از ابتدا از هم جدا شد. «فرح» ضمن راه انداختن دفتر و دستک ویژه و سازمان‌ها و بنیادهای مختلف، تلاش کرد افکار و عقاید خودش را که خیلی هم سازگاری با نظرات محمد رضا نداشت، پیش ببرد. در حلقه اطرافیان او می‌شد روشنفکران و غربزدگان آن روزگار، هنرمندان و حتی مخالفان معتدل رژیم و مارکسیست‌ها را مشاهده کرد.

نامزد سابق عزیزم

ماجرای شاه و ملکه سومش فقط اختلاف فکری و یا سیاسی نبود. یک سر اختلاف پنهان میان شاه و ملکه‌ای که پسر زاییده بود و دیگر نمی‌شد او را مثل دو ملکه پیش کنار گذاشت، به مسائل اخلاقی بر می‌گشت. «فرح» در اقدامی عجیب بعد از ازدواج با شاه ایران، نامزد سابقش – پاشا بهادری – را به ایران آورد و به عنوان مسئول دفترش منصوب کرد. از وقتی هم که گند رابطه شاه با دختری به نام «گیلدا» در آمد، شهبانو هم به سیم آخر زد. جوری که به قول پسر خاله‌اش «احمد علی مسعود انصاری» با همکلاسی دوران دانشجویی‌اش یعنی «فریدون جوادی» روابطش را نزدیک و نزدیک‌تر کرد. این رابطه به مرور آن قدر علنی و وقیحانه شد که صدای همه درباریان را در آورد. شاید این یک مورد از رفتارهای ملکه را بشود به حساب تلافی و در آوردن چشم «محمد رضا» گذاشت اما در مجموع آنچه سبک زندگی او را شکل می‌داد و سبب می‌شد با وجود ملکه بودن، روابط نامتعارف با مردان دیگر داشته باشد، اول، ریشه در آموزش‌های مدارس غربی داشت و پس از آن حاصل تربیت خانوادگی و حضور در کنار مادری بود که به اعتراف خودش، پس از فوت شوهر با مردان دیگر رابطه داشت: «صادقانه بگویم که تزلزل در آموزه‌های دینی من از همان کودکی آغاز شد... می‌دیدم یک نفر حاج آقا با حالت مستی به خانه ما می‌آمد و با مادرم رابطه جنسی خلوتی برقرار می‌کرد».

نفوذی

برخی‌ها که بدبینانه‌تر به قصه سیندرلای دربار پهلوی نگاه کرده‌اند، حتی معتقدند «فرح دیبا» تقریباً نفوذی کمونیست‌های شوروی در دربار ایران بوده است. تلاش این عده بر این است که چشم‌هایشان را به روی ریشه‌های واقعی انقلاب اسلامی ببندند و بگویند این سازمان جاسوسی شوروی است که با کمک فرح دیبا، زمینه فروپاشی رژیم پهلوی در سال ۵۷ را فراهم می‌کند. البته «فرح دیبا» از انصاف نگذریم با برنامه‌ها و افکاری که با پوشش فرهنگی و هنری بیشتر برای رواج بی بند و باری در جامعه ایران پیاده می‌شدند، نقش بزرگی در آشنایی مردم ایران با فساد حاکم بر دربار و حکومت دارد! دختری که با بی‌پروایی و بی‌اعتنایی به آداب و رسوم مردم کشورش بزرگ شده و با هزار و یک آرزو به همسری «محمد رضا» درآمده رفتار و سبک زندگی دوران شهبانویی‌اش، کمتر شباهتی به یک ملکه واقعی دارد. از دهه ۵۰ به بعد او و حلقه افراد وابسته‌اش تلاش دارند با دخالت در عزل و نصب‌های دولتی به رقیبی برای «شاه» تبدیل شوند. برخی‌ها معتقدند در ماه‌های آخر عمر رژیم پهلوی، فرح دیبا حتی سودای به قدرت رسیدن به جای همسر را در سر می‌پرورانده است و برای همین اعلام می‌کند حتی به قیمت تکه تکه شدن، در غیاب شاه در ایران می‌مانم!

کلیدها

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

عملیات‌های لورفته فرهنگی

مستقیم گویی در کار هنر یکی از اشتباهات معروف است ولی بسیار هم تکرار می‌شود. در خبرها خواندم که یک مجموعه تلویزیونی با عنوان نفوذ در حال ساخت است و تعجب کردم که چرا امری این قدر بدیهی در حد نام‌گذاری یک سریال هم رعایت نمی‌شود. اگر ما می‌خواهیم در قالب یک اثر پرهزینه سینمایی به یک موضوع بپردازیم حتماً باید ایده اصلی را در دل حاشیه‌های جذاب طرح کنیم و مخاطب نباید با همان حالتی با اثر هنری روبه‌رو شود که با یک مطلب روزنامه یا یک سخنرانی علمی یا سیاسی روبه‌رو می‌شود.

نفوذ پدیده مهمی است ولی اینکه دقیقاً با اسم نفوذ مجموعه تلویزیونی بسازیم کمی جای تأمل دارد. این مورد بسیار شبیه اتفاقی است که به عنوان «خبر خوب» در رسانه‌های ما برجسته شد و عملاً ماهیت خود را زیر سؤال برد. خبر خوب باید یک رویکرد در کار رسانه‌ای باشد و نه یک بخش یا سرفصل در صفحه اصلی یک خبرگزاری. عنوان «خبر خوب» عملاً خود را لو می‌دهد و بی‌تأثیر می‌کند.

از این سنخ بسیار است ولی کمتر به آن توجه می‌کنیم. ماهیت کار هنری همین است که درباره اصل موضوع به طور مستقیم صحبت نمی‌کند و ضمن چیزی دیگر شما را به عنوان مخاطب در وضعیتی قرار می‌دهد که موضوع را درک کنید و به تعبیری خیلی دقیق لمس کنید.

عنوان جنگ نرم هم از جهتی باعث همین بحران می‌شود. به کار بردن عنوان جنگ نرم و ضریب دادن ادبیات مرتبط با آن در ادبیات سیاست‌گذاری و مدیریت درست است ولی در دل عملیات فرهنگی هنری‌ای که با مخاطب تماس دارد، اشتباه است. مخاطب از شما جنگ نمی‌خواهد. او یک اثر هنری با کاربرد خاصی که مد نظر دارد می‌خواهد. مثلاً می‌خواهد در ماشینش در حین سفر موسیقی گوش کند؛ اگر این موسیقی به نحوی در اولین سطح تماس نشانه‌ای حاوی معناهای دیگری باشد، کارکرد خود را از دست می‌دهد و به عملیات لو رفته شبیه می‌شود. طبیعی است که در عملیات لو رفته هم می‌شود پیروز شد ولی طبعاً کار خیلی دشوار می‌شود و باید استحکام فرمی و محتوایی اثری که لو رفته است چندین برابر باشد که بتواند هر نوع مخاطبی را با خود همراه کند.

در زندگی عادی هم همین است. خیلی حرف‌ها را اگر مستقیم به فرزندمان بزنیم بحران را تشدید می‌کنند، ولی اگر در دل یک واقعه عادی زندگی به آن اشاره کنیم بسیار راحت‌تر آن را می‌پذیرد. برخورد امام حسن و امام حسین(ع) در اصلاح وضوی غلط یک پیرمرد در ادبیات دینی ما ماجرای مشهوری است و از این دست در برخوردهای بزرگان ما بسیار است. خلاصه اینکه اثر هنری، مذاکره سیاسی و اقتصادی نیست و نباید مستقیم سراغ اصل موضوع رفت.

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

اولین رایانه کوانتومی

هفته نامه نیوساینتیست در اولین شماره سال جدید خود توصیه‌هایی برای خوانندگانش برای تغییر رویه در سال جدید به انتشار رسانده است. این نشریه در مطلب خود با عنوان «سال جدید، شمای جدید» ۱۰ تصمیم جدید را که کاملاً می‌تواند در زندگی افراد تأثیر مثبت داشته باشد، برآورد کرده است. نیوساینتیست در مقاله دیگری از کشف فناوری جدیدی که می‌تواند باعث از بین رفتن تمامی آلودگی هواپیماها شده خبر داده و همچنین نگاهی به مبارزه دو غول فناوری یعنی اینتل و گوگل برای ساخت اولین رایانه کوانتومی به معنای واقعی انداخته است.

نابودکنندگان دروازه

هفته نامه اکسپکتیتور در تازه‌ترین شماره خود در گزارشی به تغییر و تحولات سریع در رأس دولت کشورهای مختلف اروپایی می‌پردازد. این نشریه در پرونده خود با عنوان «نابودکنندگان دروازه» اتحادیه اروپا را مانند قلعه‌ای لقب داده که با ظهور رهبران پوپولیست مختلف در جای جای اروپا دروازه آن در حال خرد شدن است. تصویری از مارین لوپن رقیب مکرون در انتخابات ریاست جمهوری قبلی فرانسه که از شانس‌های بالای پارلمان اروپاست یا ویکتور اوربان، نخست وزیر جدید مجارستان از جمله این پوپولیست‌ها هستند به روی جلد اکونومیست آمده است.

کشف ماقبل تاریخی

هفته نامه ساینس در تازه‌ترین شماره خود در گزارشی از کشف نوعی از جدیدترین جانداران در دوره ماقبل تاریخ می‌گوید. کشف نوعی جاندار که برخی اعضای داخلی بدن آن‌ها به طور طبیعی در خارج بدنشان بوده و هیکلی بسیار عظیم الجثه داشته، چارچوب تقسیم بندی جانداران در شاخه هم کمانان در دوره تریاسه را به کلی تغییر می‌دهد. این نشریه گزارشی نیز در خصوص موزه ذخیره بنیادی زیستی برای انسان‌ها در انگلیس به چاپ رسانده که می‌تواند نقش ویژه‌ای در تکامل زیستی انسان‌ها در آینده بازی کند.

طرح روز /

منبع/ تسنیم

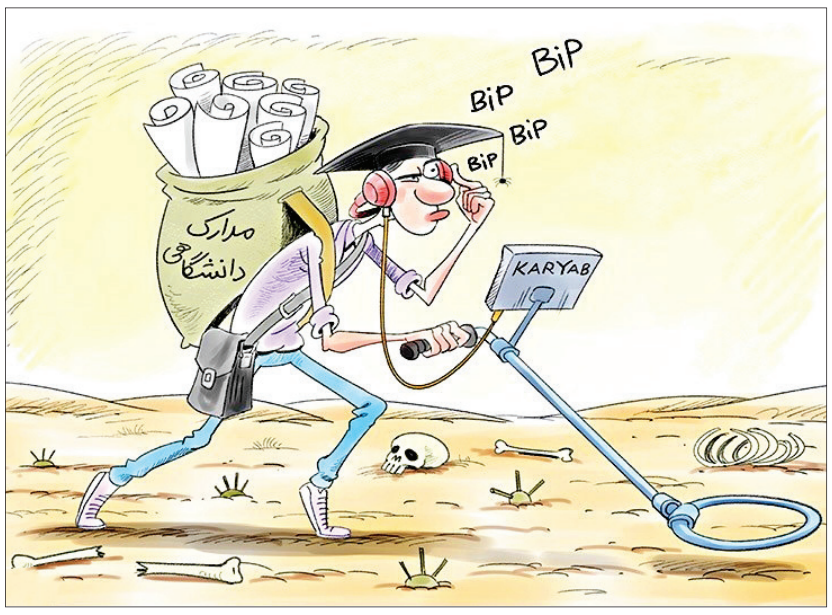

نرخ بیکاری جوانان به ۲۷ درصد رسید

رشد ۳درصدی بیکاران تحصیل کرده

آن روزها

ماجرایی که از حسینیه «نخود بریزها» شروع شد

ایستگاه / زهرا ایزدی

یک: نشسته بودم پای خاطراتش. از مدرسه رفتن می‌گفت. از لباس فرمشان. همان پیراهن‌های آبی یک شکل با دامن‌های چین‌دار و جوراب‌های سفید. یقه‌های سفید آماده‌ای هم بود که از بقالی می‌خریدند و روی پیراهنشان می‌بستند. تِل‌های سفیدی هم داشتند که وقتی آن را به موهای مشکی براقش می‌زد، مثل فرشته‌ها می‌شد. گفت و گفت تا رسید به قصه مدرسه نرفتنش:تا کلاس پنجم تاب آورد. اینکه با چادر راه بیفتد طرف مدرسه، جلوی در ورودی اما ناچار آن را در بیاورد و بگذارد توی کیفش. اجازه نداشت حجاب سر کند. خودش و پدر و مادرش حساب کردند که تا کی می‌تواند جلوی معلم‌های مرد، این جور بدون روسری بیاید و برود؟ هرچه باشد برای خودش خانمی شده بود.آن قدر که خواستگار برایش می‌آمد... این شد که مدرسه را رها کرد تا مجبور نباشد بی‌حجاب باشد.

هنوز که هنوز است، پای صحبت مادرش که بنشینی برایت تعریف می‌کند چقدر دلش می‌خواسته دخترش با آن ذهن خوبی که داشته، درس بخواند و دیپلم بگیرد.

دو: خواهر شهید فرودی تعریف می‌کرد قبل از انقلاب، ۱۷ دی هر سال، طرفداران سلطنت روز کشف حجاب را جشن می‌گرفتند. می‌آمدند میدان شهدا که آن موقع مجسمه شاه در آن بود و دسته گل می‌گذاشتند جلوی مجسمه.سال ۵۶ بوده که او و شهید فرودی و بقیه با خودشان می‌گویند باید کاری کنیم تا آن‌ها هر سال نیایند جلوی چشم ما این روز را جشن بگیرند.

دو هفته برنامه‌ریزی می‌کنند. خبر تجمع را به گوش هر کسی که اعتماد داشتند، می‌رسانند. به هزار بهانه، حسینیه نخودبریزها را بدون داشتن مجوز مراسم، اجاره می‌کنند تا آنجا سرجمع شوند. روی یک پرچم بزرگ هم می‌نویسند: «ما زنان مسلمان خراسان، آزادی خواهران در بند را خواهانیم».صبح ۱۷ دی، مراسم حسینیه که تمام می‌شود، از فلکه آب (میدان بیت المقدس) راه می‌افتند سمت چهارراه خسروی. گفته بودند تا نیروهای رژیم سر برسند، می‌توانیم حداکثر صد متر راهپیمایی کنیم. اما در کمال تعجب به مأموری برنمی‌خورند! می‌رسند به چهارراه شهدا و بعد هم در عین ناباوری، می‌آیند سمت میدان شهدا.

این می‌شود که ناگهان ۱۰۰ تا خانم با چادر مشکی جلوی چشم آن‌هایی که برای مراسم کشف حجاب آمده بودند ظاهر می‌شوند. مأمورهای حکومتی که آنجا بودند به آن‌ها حمله می‌کنند... ۲۲ نفر دستگیر می‌شوند... بازجویی و شکنجه می‌شوند... مورد توهین قرار می‌گیرند... با زور کتک از آن‌ها بدون حجاب عکس می‌اندازند و... بعد آزادی هم آن‌هایی که دانشجو بوده‌اند، اخراج می‌شوند... مراسم کشف حجاب، نیمه کاره به‌هم می‌خورد و اعتراض زنان محجبه مثل سنگی که انداخته باشند به مرداب سلطنت، موج‌های متعددی ایجاد می‌کند... تظاهرات ۱۹ دی مردم قم شکل می‌گیرد... قمی‌ها نه تنها به مقاله توهین آمیز روزنامه اطلاعات اعتراض می‌کنند بلکه خواستار آزادی دختران و زنان دستگیر شده مشهدی می‌شوند و....

جدول ۷۴۴۲

zadehalireza@gmail.com
محمدرضا علی‌زاده

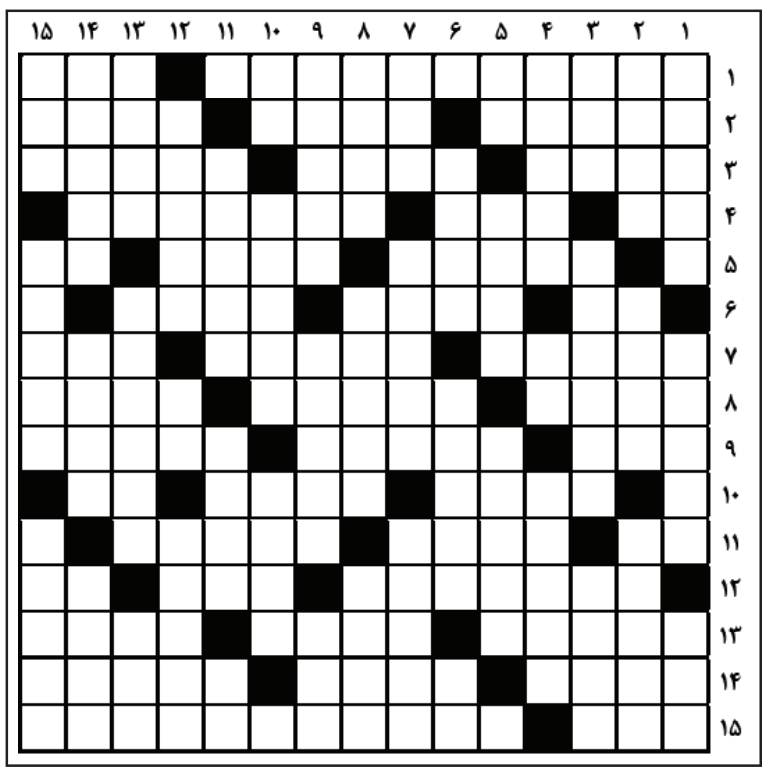

افقی

۱. با نصب آن می توان تصاویر تلویزیونی با کیفیت دیجیتال دریافت کرد- روغن ۲. ماه میلادی- بیماری مسری جنوب شرق آسیا -اثر خارش حلق و خروج هوای ریه از سینه که با صدایی خشک همراه است ۳. جبان- فریاد کشیدن- مغرب ۴. خاک کوزه‌گری- تند و فوری- اورست بر فراز آن واقع شده ۵. چشم‌ها- از زیراندازها- مجازات شرعی ۶. کافی- خضاب- فناشده ۷. شانه‌ها- حالا- شیردرنده ۸. افسوس- نقاب سیاهی که زنان با آن صورت خود را می‌پوشانند- مرطوب ۹. نام پسرانه وطنی- سنددار- درخت توت ۱۰. سبک فرنگی- از حلال‌های رنگ- پرحرفی ۱۱. موی مجعد- فاقد- سیاره زحل ۱۲. از مهم‌ترین سبک‌های کاراته- بالیدن- علامت مفعول ۱۳. کیسه چرمی- مشقت- فیلسوف ، منطق‌دان ، ریاضی‌دان ، مورخ ، جامعه شناس و فعال صلح طلب بریتانیایی قرن بیستم ۱۴. سردسته- از وسایل پرواز- گوشه‌گیر ۱۵. مظهر استقامت- دستگاهی که برادران لومیر در دسامبر ۱۸۹۵ به راه انداختند

عمودی

۱. آن‌چه از میت به جا ماند- قوم حضرت هود(ع)- چرم مورد استفاده در ساخت کفه پرتاب در منجنیق ۲. تالار شیشه‌ای- سیم یدک‌کش- یار داستانی «ژولیت» ۳. آموختنی بچه مدرسه‌ای- ضدعفونی شده- طرح و نظر ۴. ظرف آبخوری- پیش‌درآمد آشغال- خیس ۵. سرای مهر و کین- پاکیزه- فلکه شهری ۶. میوه سالادی- فروشگاه فرنگی- چه وقت؟ ۷. پل- پستی- ماه سریانی ۸. کلام بی‌معنی- اشتراک اینترنتی- سخت و مشکل ۹. نام قدیم کاشمر- قریب- حرف هشتم یونانی ۱۰. بنیان- بهشتی- کودک در گویش خودش ۱۱. بستر- بیع- درخت انگور ۱۲. چرب‌زبان- یکی از دو جنس- تخت پادشاهی ۱۳. قرمزی- معروف‌ترین گونه پرتقال اصلاح شده جهان- با این املا هم پدر حضرت ابراهیم(ع) است ۱۴. کلید- راکب- بی‌آبرو ۱۵. رودخانه کوچک- از عوارض پرخوری- گردآوری ادبی

حل جدول شماره قبل

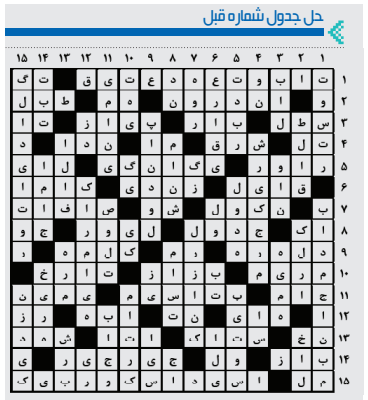

منتظر نظرها، دیدگاه ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم
با ما تماس بگیرید